



گاهنامه علمی، آموزشی، فرهنگی
سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، ۳۲ صفحه، ۲۰۰۰ تومان



بررسی همه جانبه نکات مثبت و منفی

ارزشیابی کیفی - توصیفی

گفت و گو با ثریا مطهرنیا "میم مثل معلم!!"

علل دروغ گویی و روش های پیش گیری از نظر روان شناسان

گفت و گو با هادی ضیاءالدینی "هنر دست کمی از علم ندارد"

پرسش نامه‌ی خودکارآمدی شغلی (JSEQ)

باز خورد فرایندی (کلاسی)

چگونه اضطراب اجتماعی و هوش هیجانی می تواند بر احساس غربت دانشجویان تأثیر بگذارد؟

جرمه ای از ولایت



بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور:

مسئله‌ی عمده‌ی ما امروز مسئله‌ی آموزش و پرورش است؛ مسئله‌ای که برای بنده مهم است. علت هم این است که آموزش و پرورش در واقع آن کانون اساسی برای خلق دنیای آینده است. آینده‌ی دنیای ما به تلاش امروز آموزش و پرورش وابسته است؛ این کم‌چیزی نیست.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور:

امروز روزی است که ما بتوانیم ان‌شاءالله آموزش و پرورش را از لحاظ کیفی، محتوایی و بنیانی به یک نقطه‌ی اساسی برسانیم. و محور این تحول معلمان هستند؛ آن کسی که در وسط میدان ایستاده است، شما معلمان عزیز هستید.

مرداد ۱۳۹۰:

قشر دانشجو قشری ممتاز است و مهمترین فریضه دانشجویی آرمان خواهی است. آرمانگرایی مخالف محافظه کاری است نه واقع گرایی محافظه کاری تسلیم در مقابل هر واقعیتی است. آرمانگرایی؛ یعنی، استفاده صحیح از واقعیات مثبت و مبارزه با واقعیات منفی در جهت رسیدن به اهداف بزرگ.

دیدار در جمعی از دانشجویان:

جوانان و دانشجویان امروز، مسئولان و تصمیم‌گیران آینده کشور هستند و باید با تداوم و تکامل این راه، آن را به نسل‌های بعدی بسپارند و این واقعیت را اثبات کنند که اولین بار در تاریخ انقلاب‌های گوناگون جهان، انقلاب اسلامی همان حرف‌ها و اصول و ارزش‌های اولیه خود را با همه وجود و بدون انقطاع استمرار بخشیده و ان‌شاءالله به هدف‌های نهایی خود خواهد رساند.

نوروز ۱۳۹۵:

به جای باز کردن آغوش برای کسانی که اعتقادی به اسلام و نظام و انقلاب ندارند آغوش خود را برای جوانان فعال در عرصه فرهنگی باز کنید.

نوروز ۱۳۹۵:

آمادگی به تنهایی کافی نیست و عمل هم لازم است و این توجه دادن به موضوع عمل گرایی است که قابل توجه همه آحاد ملت می باشد.

«کشور» و «امروز و فردا» مال شماست، و اگر با ایمان و خودباوری در میدان ها حضور داشته باشید و حرکت کنید، آمریکا و بزرگتر از آمریکا هیچ غلطی نمی توانند بکنند.

... دل نوشته‌ی یک دانشجو ...

* من هم دانشجو هستم هم معلم، پس وظیفه‌ی سنگینی دارم. همیشه در میدان بودم را میتونم با فعال بودن در تشکل ها و دانشگاه نشون بدم و با مسولیت پذیری و آمادگی در زمینه های مختلف مثلاً: فرهنگی، ورزشی و علمی خودم رو برای مسئولیت های سنگین تر فردا آماده کنم.

* وقتی آقای من دانشجو رو قشر ممتاز می خواند، یعنی از من انتظاراتی دارند؛ این که آرمان گرا باشم و هر چیزی رو بدون تحلیل و بررسی قبول نکنم و برای رسیدن به اهداف بزرگ انقلاب تلاش کنم چون امروز و فردای کشورم رو من می سازم پس خیلی مهمه چه جوری کشورم رو با آگاه بودن از همه ی مسائل بسازم.

* چشم دشمن به همه ی قشرهای جامعه هست اما چون من دانشجو و معلم برای مولایم اهمیت دارم؛ پس دشمن بی کار نمیشینه و تمرکزش روی منه، اونها سعی می کنند با مشغول کردن من در شبکه های اجتماعی و استفاده ی بی رویه از این فضاها از مشغله های اصلی ام جا بمونم؛ اما منم هوشیارم و اجازه ی دخالت رو به آمریکا و بزرگ تر از اون نمیدم و بنا به گفته ی مولا اونا هیچ غلطی نمیتونن بکنند.

* تحول باید از یه جایی شروع بشه و من معلم وسط این میدان تغییر و تحول ایستاده ام؛ چرا که من با قشر بزرگی از دانش آموزان و والدین دانش آموزان سر و کار دارم، پس باید هم مرکز تحول باشم هم الگویی خوب و کامل برای افرادی که باهاشون در آینده سر و کار خواهم داشت.

زهره جمشیدی - دانشجوی علوم تربیتی



اضطراب اجتماعی و هوش هیجانی



میم مثل معلم !!!



بازخورد فرایندی



گشتمان ویژه



علل دروغ گوئی



گاهنامه علمی، اجتماعی، فرهنگی

۸

گزارش

۹

گفت و گو با دکتر معروفی

۱۰

روان شناسی

۱۲

اصول شادی

۱۳

English Page

۱۴

پرونده هنری

۱۶

دوربین شما

۲۰

سلامت

۲۱

جدول و معما

۲۲

سمت خدا

۲۳

هلال معلم

۲۴

ارزشیابی کیفی - توصیفی

۳۰

طنز

صاحب امتیاز

پردیس بنت الهدی صدر کردستان

مدیر مسئول

فرانک قدسی

سر دبیر

شراره صادقی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

زهره جمشیدی، شراره صادقی، منا شیخله،

نرگس مرادی، یگانه نصیری هانیس

مدیر داخلی

میترا شکری

ویراستار

نرگس مرادی

نقاشی و کارکاتور

بشری احمدوند

گرافیک و صفحه آرا

شهاب نصیری نیا

پل‌های ارتباطی ما و شما

سامانه پیامکی:

۰۹۰۰۰۹۴۱۰۳۸

پست الکترونیک:

raspiyer.magazine@gmail.com

هر گونه کپی برداری و نقل از مطالب و عکسها منوط به دریافت اجازه کتبی از راسپیر است.

مشاوران علمی این شماره: سوسن فتوحی، دکتر امید مرادی، دکتر دیار رفاعی، افشین لهنوی، بیان نسایی مقدم، مختار ویسانی،

فرانک قدسی، ابراهیم کریم زاده

با تشکر از: حجت الاسلام و المسلمین قربانی، محمد سمیعی فر، محمد ابراهیم شریفیان، شهناز هجرت، دکتر یحیی معروفی، ثریا مطهرنیا، رشید قربانی، هادی ضیاءالدینی، روشنا فتحی، شهناز آذر، نادیا خراسانزاد، جمال نوری و تمامی عزیزانی که ما را در این شماره از مجله یاری نمودند.



مجموعه



هو البصير

سپاس و ستایش پروردگاری را سزااست که با نیروی عشق «ن و القلم و مایسترون» جان تشنه ی آدمی را به زیور دانش و دانایی آراست و انسانیت را با بعثت آخرین فرستاده خویش حضرت محمد (ص) تعالی بخشید و درود بی کران شما را که راه پیامبران و صالحان خدا را طی می کنید. رسالت دانشگاه فرهنگیان تربیت و توانمند سازی معلمانی است که آراسته به فضایل اخلاقی باشند و در طراز جمهوری اسلامی بایسته های علم و اخلاق را با شور و اشتیاق به فرزندان میهن اسلامی آموزش دهند و دست پرورده های آنان اندیشمندانی باشند که مایه ی فخر و مباهات ایران و ایرانیان شود و این ممکن نیست مگر با دانایی و توانایی در گشایش افق های تازه از دانش و تجربه. در واقع کشف حقیقت مطلوب تحقیق و پژوهش است و حقیقت یابی ضامن پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه ای به شمار می رود. بدون پژوهش هیچ امری از امور زندگی، نشاط و پویایی لازم را نخواهد داشت.

اصلاً جامعه فاقد پژوهش گر و پرسش گر، جامعه ای ایستا و غیر بالنده است. در همین راستا دانشجویان پردیس بنت الهدی صدر با درک این مهم مشتاق تهیه ی گاهنامه ای با نام «راسپیر» هستند تا پیام رسان دانش و تجربه در حوزه تخصصی خود باشند. ضمن تشکر و قدردانی از این دانشجویان، از دیگر عزیزان برای همکاری و همراهی با این نشریه دعوت می نمایم. توفیق شما عزیزان را در اعتلای فرهنگ اسلامی و ایجاد زمینه تجلی استعداد فرزندان عزیز کشور را از ایزد منان خواستارم.

فرانک قدسی

سرپرست پردیس بنت الهدی صدر کردستان

«ن و القلم و مایسترون»

قسم به قلم و آنچه که می نگارد. (قلم/۱)

قلم و نگاشتن، پرتویی است برای بیداری، آگاهی و آزادی بشر از بند اسارت و چه بسا که بزرگ ترین اسارت نیز همان اسارت در افکار است. خوشبختانه امروز مردم ما توانسته اند در مقابل کسانی که درصدد دور کردن آنها از فرهنگ و تمدنشان هستند با بصیرت و آگاهی بایستند و با استفاده از سطرهای کاغذی و قلمی به سان گرز گران آن ها را از میدان به در کند. خداوند هستی بخش را شاکریم که این توفیق را به ما داد تا در بهار ۱۳۹۵ قدم در راهی بگذاریم که با بضاعت ناچیز ولی امیدوار و با توکل به درگاه خداوند منان در تهیه نشریه ای در قالب گاهنامه قدم برداریم و با خرد جمعی که شاید هفته ها طول کشید نام «راسپیر» به معنی پیام رسان را بر آن نهادیم؛ چرا که سعی جمعی بر آن بوده که پیام هایی را به گوش مخاطبان عزیز برساند و در حد توان بتواند آن ها را راضی نگه دارد.

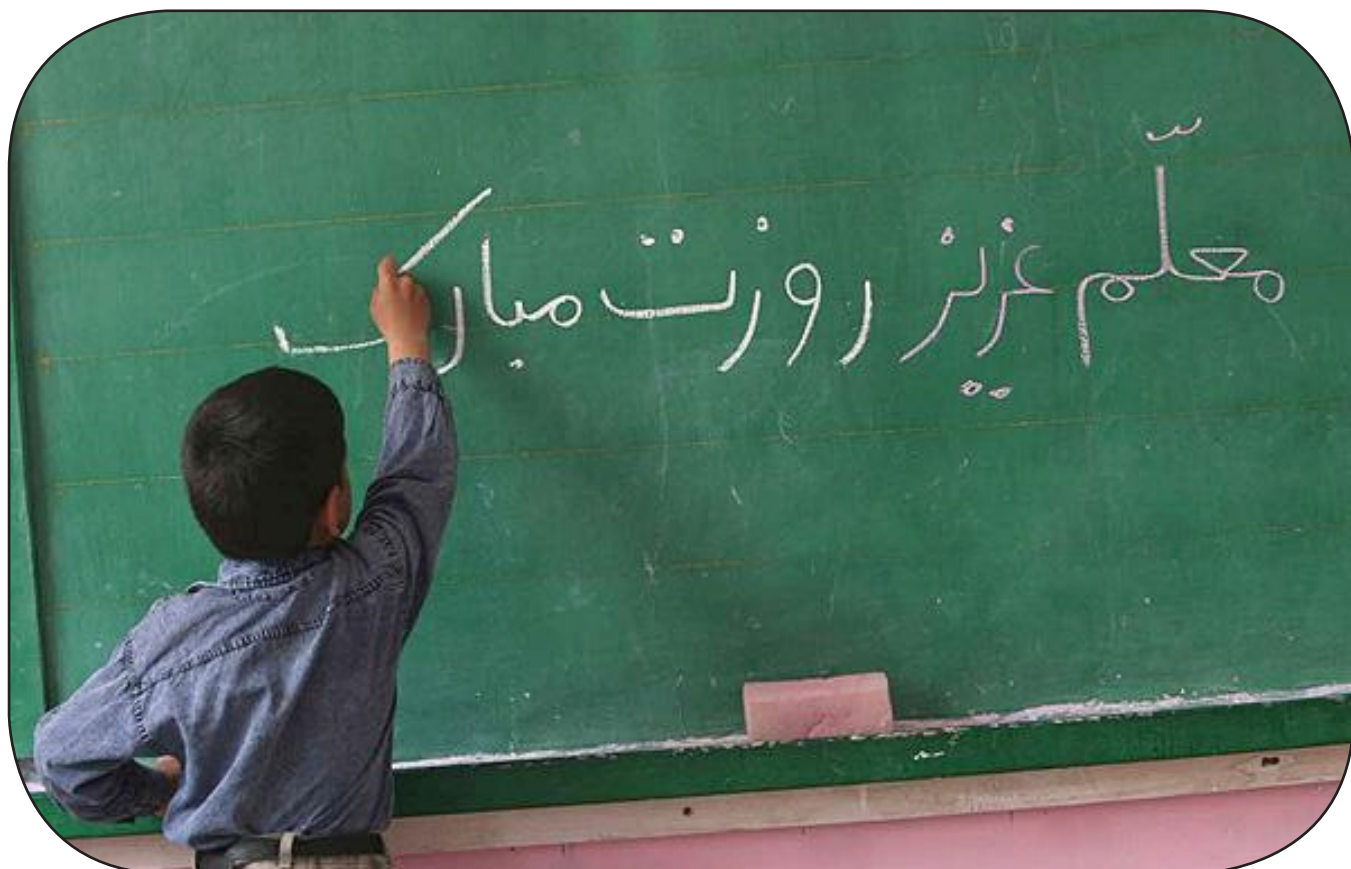
نشریه موجود حاصل تلاش چند ماهه ی جمعی از دانشجویان دوره ی کارشناسی است که شاید تجربه ی کافی را برای این کار نداشته باشند. بدیهی است که در ابتدای راه نقص هایی وجود دارد که قطعاً شما عزیزان می توانید با ارسال انتقادات، پیشنهادات و مطالب و عکس های مناسب برای نشریه، ما را در هرچه بهتر شدن کار یاری کنید.

در پایان نهایت تشکر و سپاس را از گروه پر تلاش نشریه راسپیر و تمامی عزیزانی که ما را در این راه یاری نمودند دارم.

خدایا چنان کن سرانجام کار
تو خشنود باشی و ما رستگار

شراره صادقی

سردبیر گاهنامه راسپیر



معلمی شغل نیست، هنر است ...

شرافت و مرتبت معلم زمانی اهمیت دارد که بتوان شأن خداوند و پیامبران را در وجود خود محقق سازد و پیوند انسان به هدف متعالی خلقت، یعنی عبادت را برقرار سازد. معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر توانمندی است؛ معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لایزال الهی نخست ویژه ی ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی است. در نخستین آیاتی که به قلب مبارک پیامبر (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»
(سوره علق، آیات ۱ تا ۵)

بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت، بخوان! و پروردگارت کریم ترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست.

در این آیات خداوند خود را معلم می خواند و جالب اینکه معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است. مقام معلم بودن خدا، بعد از آفرینش قرار دارد. نوعی انسان را که هیچ نمی دانست، به وسیله ی قلم آموزش داد که این اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد:



چو قاف قدرتش دم بر قلم زد هزاران نقش بر لوح عدم زد

از این رو می توان گفت هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است.

من ستایشگر معلمی هستم که اندیشیدن را به من آموخت نه اندیشه ها را .

منبع: ارزش و مقام معلم از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری

زهره جمشیدی - دانشجوی علوم تربیتی

چگونه اضطراب اجتماعی و هوش هیجانی می تواند بر احساس غربت دانشجویان تأثیر بگذارد؟

مختار ویسانی

کارشناسی ارشد روان شناسی و استاد دانشگاه فرهنگیان



مقدمه

یکی از مسائلی که امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی و وسایل حمل و نقل مورد توجه قرار گرفته است، انواع مهاجرت هاست. این مهاجرت ها گاه جنبه تحصیلی و علمی، گاه جنبه اقتصادی و تجاری و ازدواج دارد، اما ویژگی مشترک همه این مهاجرت ها، مشکلات مربوط به سازگاری و فشار روانی کنار آمدن با محیط جدید است (هندریکسون و همکاران، ۲۰۱۰). هر ساله دانشجویان زیادی خانه را به قصد ورود به دانشگاه ترک می کنند. این امر به همان اندازه که برای فرد فرصت های جدید به همراه می آورد، وی را با چالش ها و عوامل تنش زا روبرو می کند که به نحوی اجتناب ناپذیر با چنین انتقالی همراه هستند. بنابراین دانشجویان با عوامل تنش زای هیجانی و استرسورهای اجتماعی روبرو می شوند که یکی از آن ها احساس غربت نسبت به دیار، خانواده و دوستانی است که در اثر نقل مکان، از آنها دور شده اند (اژه ای و همکاران، ۱۳۸۷). دانشجویان در هنگام ورود به دانشگاه، علاوه بر مواجه شدن با موقعیت آموزشی جدید، باید خود را با شرایط فرهنگی و اجتماعی محل تحصیل نیز سازگار کنند. همچنین، باید زندگی به صورت مستقل را نیز تجربه کنند زیرا حمایت قبلی خانواده بنا به دلایل فرهنگی و نیز مسافت بین شهر محل سکونت والدین و شهر محل تحصیل دانشجو کاهش می یابد و لذا باید مسئولیت اعمال خود را بپذیرند زیرا در محیط دانشگاه خود او را مسئول اعمالش می دانند نه خانواده اش را (اسکوپلیتی، ۲۰۱۰). فیشور و هود (۱۹۸۷) و فن فلیت (۲۰۰۱) اظهار می دارند که در مجموع ۵۰٪ الی ۷۰٪ افراد حداقل یکبار در عمر خویش احساس غربت را تجربه کرده اند و بین ۳۰٪ الی ۶۰٪ دختران و پسران دانشجوی انگلیسی در طول سال اول دانشگاه دچار احساس غربت می شوند. گرچه بسیاری از دانشجویان به سادگی به مسئله احساس غربت اعتراف نمی کنند، اما ۶۰٪ الی ۷۰٪ افرادی که برای اقامت در دانشگاه نقل مکان می کنند، دچار آن می شوند که از این تعداد حدود ۷٪ الی ۱۰٪ به انواع شدیدی از این احساس غربت مبتلا می شوند (فن فلیت، ۲۰۰۱).

دهمین تجدید نظر طبقه بندی بین المللی بیماریها (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۲؛ به نقل از سلطانی شال و همکاران، ۲۰۱۱) احساس غربت را به عنوان یک واکنش شبه افسردگی نسبت به ترک محیط آشنا در نظر می گیرند که با تفکرات راجعه در مورد خانه و بازگشت به محیط آشنا مشخص می شود. به عقیده فیشور و هود احساس غربت عبارت است از وضعیت پیچیده شناختی، انگیزشی و هیجانی خاصی که با اشتغالات ذهنی فراوان در مورد محیط قبلی و تمایل به بازگشت به سمت آن همراه است و معمولاً با خلق افسرده و علائم



مختلف روان- تنی تجربه می شود (فیشور و هود، ۱۹۸۷). بر اساس نظریه دلبستگی فرض بر آن است که به واسطه روابط ابتدایی مراقب اولیه و کودک نوعی پیوند بین آن دو صورت می گیرد که هادی ایجاد و حفظ پیوندهای هیجانی آتی خواهد بود. بالبی (۱۹۷۹) به نقل از اژه ای و همکاران، (۱۳۸۷) معتقد است که در صورت تهدید و در دسترس نبودن چهره های دلبستگی، فرد دچار اضطراب و تنش می شود. در مورد احساس غربت، ترک خانه به نحوی می تواند از دست دادن چهره های دلبستگی به شمار آید و یک سوگ کوچک حاصل شود. در اینجا فرد احساس تهدید می کند و در صورتی که با این احساس از دست دادن کنار نیاید دچار اضطراب جدایی و نهایتاً احساس غربت می شود. در قالب الگوی فوق،

فرد می بایست با نوسان بین دو عامل تنش زای از دست دادن چهره های دلبستگی و مقابله با آن و برهم خوردن تعادل میان مطالبات محیطی و منابع فردی (سازش یافتگی) کنار بیاید (استروب و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از اژه ای و همکاران، ۱۳۸۷).

اهمیت رابطه اضطراب و احساس غربت تا حدی است که گاهی احساس غربت را نوعی اضطراب ناشی از برهم خوردن نظم زندگی و جدایی از خانواده را نیز تعریف کرده اند (کرافورد و مانسیس، ۲۰۱۱). اضطراب اجتماعی یکی از اختلالات مزمن محور I (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۰) و شایع ترین نوع اختلال اضطرابی است (فهم و همکاران، ۲۰۰۸؛ آلدن و تیلور، ۲۰۱۱) که به اختلال نادیده انگاشته شده (لیبوییتزو همکاران، ۱۹۸۵؛ به نقل از خورشیدزاده و همکاران، ۱۳۹۰) معروف است. اختلال اضطراب اجتماعی در فعالیت ها و حوزه های اجتماعی و ارتباطی اختلال اساسی ایجاد می کند و سبب کاهش علاقه اجتماعی و اعتماد به محیط پیرامون و نیز کاهش کیفیت و رضایت از زندگی می شود (استین و همکاران، ۲۰۰۵؛ به نقل از خورشیدزاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۲).

اختلال اضطراب اجتماعی به ترس آشکار و پیوسته از موقعیت های اجتماعی یا عملکردی اشاره دارد و از این باور فرد ناشی می شود که او در این موقعیت ها به طرز خجالت آور یا تحقیرآمیزی عمل خواهد کرد. افراد مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی، به طور معمول از موقعیت های ترس آور پرهیز می کنند و به ندرت خود را مجبور به تحمل موقعیت اجتماعی یا عملکردی می نمایند، اما اگر با این موقعیت ها روبه رو شوند دچار اضطراب شدیدی خواهند شد (آلدن و تیلور، ۲۰۱۱). طی چند دهه گذشته الگوهای نظری چندی برای تبیین مکانیزم های زیربنایی اختلال اضطراب اجتماعی ارائه گردیده است که برخی از آنها بر فرآیندهای شناختی تأکید دارند (کلارک و ولز، ۱۹۹۵؛ فوا و کوزاک، ۱۹۸۶؛ به نقل از وانگ و همکاران، ۲۰۱۲).

یکی از فرضیه های اساسی رویکردهای شناختی در زمینه اضطراب آن است که اضطراب با پیش بینی رخداد یک رویداد منفی یا زیان بار، یا



وقایع منفی کمتری را در زندگی تجربه می کند. باران و پارکر (۲۰۰۰) در الگویی که از هوش هیجانی به دست می دهند فقط روابط درونی فرد با خودش و دیگران را مورد توجه قرار نمی دهند، بلکه عناصری چون سازش، تحمل فشار و خلق عمومی را نیز از عوامل تشکیل دهنده هوش هیجانی می شمارند و معتقدند، بالابودن هوش هیجانی موجب سازگاری بیشتر فرد، حفظ سلامت روانی و ارتقا کیفیت ارتباط با محیط پیرامون وی می گردد. ترک خانه و دور شدن از موضوع و مکان دلبستگی یکی از رخدادها برای دانشجویان مهاجر است، این پدیده تنش زیادی را بر آنان وارد کرده و به طور کلی سلامت روانی آنها را مختل می کند. در این مورد، دانشجویانی که از سازگاری بیشتری برخوردار باشند و بهتر بتوانند خود را با شرایط تطبیق دهند، و از لحاظ هوش هیجانی ظرفیت بالایی داشته باشند، نگرش مثبت تری نسبت به واقعیت پدیده غربت خود خواهند داشت.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده می توان عنوان نمود که قرار گرفتن در محیط های جدید سبب می شود که بسیاری از مهارت هایی که فرد به طور معمول به کار می برد، کارساز نباشد و یا حتی این مهارت ها در محیطی با فرهنگ جدید به شکل یک رفتار ناپسند جلوه کند. این امر موجب می شود فرد همواره نگران پذیرفته شدن رفتار خود در جامعه جدید باشد زیرا در تجربه های اولیه آموخته است که پاسخ جامعه به رفتار او قابل پیش بینی نیست.

نتیجه گیری

ادراک تهدید فراخوانده می شود. ادراک افراد از تهدید به وسیله قضاوت های ذهنی شان از احتمال رخداد یک رویداد منفی و پیامد یا تنفر از آن رویداد تبیین می شود. بنابراین افراد با اختلال های اضطرابی احتمال و پیامد رویدادهای منفی را بالاتر از افراد پهنجار برآورد می کنند. اگرچه احتمال دارد که این داوری های اغراق آمیز، با بیشتر اختلال های عاطفی همراه باشد، نظریه پردازان بر این باورند که این داوری ها، ذهنی و در هر اختلال اضطرابی ویژه است بنابراین برآورد افراطی پیامد منفی رویدادهای اجتماعی، ویژه اختلال اضطراب اجتماعی است. داوری های اغراق آمیز و برآورد بیش از حد احتمال رویدادهای منفی علت اصلی کناره گیری و انزوای اجتماعی افراد دارای این اختلال است، تا جایی که خودپنداره مثبت و خودکارآمدی فرد برای تسلط بر موقعیت ها، بویژه موقعیت های مبهم و ناآشنا را تضعیف می کند لونگو (۲۰۱۰).

دهمین تجدید نظر طبقه بندی بین المللی بیماری ها احساس غربت را به عنوان یک واکنش شبه افسردگی نسبت به ترک محیط آشنا در نظر می گیرند که با تفکرات راجعه در مورد خانه و بازگشت به محیط آشنا مشخص می شود.

همچنین، هوش هیجانی نیز یکی از اثرگذارترین متغیرها، روی احساس غربت می باشد (مایر و همکاران، ۲۰۰۴؛ بل و برومنیک، ۱۹۹۸ و عندلیب، ۱۳۹۰). گلمن (۱۹۹۵) در تعریف هوش هیجانی می گوید: هوش هیجانی توانایی درک، توصیف، دریافت و مهار هیجانات است. هر کسی با برخورداری از میزانی از هوش هیجانی در رویارویی با وقایع مثبت یا منفی زندگی موضع گیری می کند و به سازش با آن ها می پردازد. انسان با برخورداری از هوش هیجانی به زندگی خود نظم و ثبات می بخشد و سازگاری بیشتری از خود نشان می دهد، به طوری که اصولا با هوش هیجانی بالا شخص

قابل پیش بینی نبودن پاسخ جامعه به رفتار فرد باعث می شود فرد نسبت به حضور در جامعه، اضطراب بالایی پیدا کند و همین امر ویژگی های احساس غربت و دوری از خانه را شدت می بخشد. البته اضطراب اجتماعی، خود از ویژگی هایی است که می توان خود به عنوان نشانه های احساس غربت در نظر گرفته شود و حتی در تعریف احساس غربت نیز گاهی از اضطراب جدایی از خانه و قرار گرفتن در محیط ناآشنا استفاده می شود (لونگو، ۲۰۱۰). علاوه بر این قرار گرفتن در محیطی که فرد هنوز شبکه ارتباطی مناسبی تشکیل نداده موجب می شود که از حمایت اجتماعی بسیار کمی برخوردار باشد. نداشتن کسانی که می توانند در صورت بروز مشکل از فرد حمایت کنند کنند موجب کاهش احساس امنیت می شود. این امر به شکلی است که در صورت وجود یک فرد آشنا در محیط جدید، میزان احساس عدم امنیت به شدت کاهش می یابد زیرا فرد آشنا اطلاعاتی به او می دهد که موجب تسلط فرد نسبت به محیط جدید می شود و همین امر در نهایت باعث ایجاد شبکه ارتباطی قابل اعتماد و به تبع آن کاهش احساس غربت می شود.

از طرف دیگر، می توان اظهار کرد، افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند در دریافت و فهم علائم هیجانی کلامی و غیرکلامی از توانایی بیشتری برخوردار هستند و بنابراین واکنش های مناسب تری نشان می دهند (مایر و همکاران، ۲۰۰۴). که این خود موجب تسهیل روابط با دیگران می شود و شبکه اجتماعی وسیع تر و حمایت اجتماعی بیشتری برای آنها فراهم می آورد. افرادی که از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند با استرسورها از جمله احساس غربت به نحو مؤثرتری مقابله کرده و فشار روانی و احساس غربت کمتری را تجربه می کنند. از طرف دیگر، یکی از ویژگی های افراد دارای هوش هیجانی بالا این است که بر احساسات خود کنترل بیشتری دارند و در مواجهه با رویدادهای استرس زا از جمله احساس غربت، بیشتر از راهبردهای مسئله مدار استفاده می کنند، همچنین این افراد شناخت بیشتری از حالات خلقی و روانی خود دارند و در شرایط استرس آور می دانند که چگونه به خود آرامش دهند و کمتر تحت تأثیر شرایط ناگوار محیط جدید قرار می گیرند (استروپ و همکاران، ۲۰۰۲).

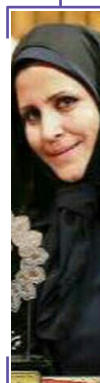


میم مثل معلم!!!

گفت و گو با معلم فداکار و نمونه‌ی کشور
خانم ثریا مطهرنیا



تهیه و تنظیم: شراره صادقی
دانشجوی علوم تربیتی



در چه رشته‌هایی تحصیل کرده‌اید؟

در رشته‌های آموزش ابتدایی، مدیریت آموزشی، مدیریت دولتی و برنامه‌ریزی درسی تحصیل کرده‌ام و اکنون دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی هستم.

آیا کتاب و مقاله هم دارید؟

کتاب‌هایی در زمینه‌های روان‌شناسی و آموزشی از جمله هوش هیجانی،

کودکی به خلبانی جت‌های جنگی فکر می‌کردم ولی بعد‌ها علاقه‌ام به معلمی روز به روز بیشتر می‌شد به طوری که اگر دوباره متولد شوم باز هم شغل معلمی را انتخاب می‌کنم؛ اگر چه به نظر من معلمی سخت‌ترین شغل دنیاست اما بسیار لذت‌بخش است. امروزه ثابت شده است که یک ساعت کار آموزش برابری می‌کند با هشت ساعت کار اداری.

لطفاً کمی در مورد محل زندگی و محیطی که در آن بزرگ شده‌اید برایمان بگویید.

در یک خانواده‌ی متوسط در شهرستان بیجار گروس متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در این شهرستان به اتمام رساندم و مقطع متوسطه را در سنندج ادامه دادم.

کمی از خانواده و کودکی برایمان بگویید.

ایام کودکی من سرشار از نشاط و جنب و جوش بود. بسیار علاقه‌مند به طبیعت و محیط زیست بودم و علاقه زیادی به کتاب و کتاب‌خوانی داشتم. عضو ثابت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بودم و همیشه مسئولیت کتاب‌خانه را بر عهده می‌گرفتم. بیشتر اوقات دوران کودکی‌ام را به بازی و مراقبت از حیوانات خانگی می‌گذراندم. علاقه‌ی زیادی به کتاب‌های غیر درسی داشتم و از لحاظ درسی در حد متوسط بودم. حافظه‌ی بسیار قوی در حفظیات داشتم و همیشه به عنوان شاگرد شب امتحانی شناخته می‌شدم.

از چه زمانی به معلمی فکر می‌کردید؟

مشوق اصلی من در تحصیلات تربیت معلم پدرم بود چرا که در دانش سرا تحصیل می‌کردم و برای تحصیلات بعدی به ترغیب و حمایت نیاز داشتم که عامل اصلی آن پدرم بود. در دوران



عضو ثابت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بودم و

همیشه مسئولیت کتاب‌خانه را بر عهده می‌گرفتم

توصیف شما در مورد شغل معلمی چیست؟

یک ضرب المثل هست که اساس کار کشور های توسعه یافته است و بسیار جالب است که می گوید: «به خاطر میخی نعلی افتاد، به خاطر نعلی اسبی افتاد، به خاطر اسبی سواری افتاد و به خاطر سواری جنگی شکست خورد.»

خانواده، هوش و سرگرمی، بازی درمانی، زبان بدن و ... و همچنین مقالات متعدد و بین المللی در زمینه های آموزشی دارم و در کنفرانس های بین المللی از جمله مدیریت اسلامی در علوم و فناوری کشور سنگاپور و ... شرکت کرده ام.

چه چیزی باعث شد به جز درس دادن به مشکلات دانش آموزان و حل کردن آنها فکر کنید؟

به عقیده من معلمی که فکر کند کار او آموزش صرف است، سخت در اشتباه است چرا که آموزش نیازمند آگاهی معلم از شرایط روحی و روانی دانش آموزان است. من معتقدم در تدریس باید تفاوت های فردی را در نظر گرفت.

این همه مسئولیت و دردسرهایی که برای حل شدن مشکلات دانش آموزان دارید بدون شک به یک انگیزه ی قوی نیاز دارد. منشاء این انگیزه چیست؟

دو شور به غایت نیرومند بر زندگانی می تواند ما را هدایت کنند. یکی این که آسایش امری بیرونی است و احتمال دارد بسیاری از انسان ها احساس آسایش کنند اما آرامش درونی است و با ثروت

و امکانات به دست نمی آید بلکه انسان هایی هستند که شاید چیزی نداشته باشند؛ ولی از درون خوشحالی و سلامتی را حس می کنند. من معتقدم کمک به دیگران، کمک به خود شخص است و این آرامش درونی را به همراه می آورد و دوم این که به نظر من انسان ها باید به شکرانه نعمت های خداوندی به دیگران کمک کنند.

در چندمین سال خدمت خود به سر می برید «چرا که روحیه ی شما در کلاس های درس بی نظیر است»؟

امسال بیست و سومین سال خدمت خود را پشت سر گذاشتم و در تمام این مدت در روستاها درس داده ام که از این بیست و سه سال، نوزده سال در روستاهای بسیار محروم بوده ام اما معلمی برای من بسیار شیرین تر از این سختی هاست.

نظر شما در باره ی تغییرات نظام آموزشی چیست؟

به نظر من تغییرات در نظام آموزشی به این معناست که آموزگاری هم دچار تغییرات عمده ای می شود و یادگیری دانش آموزان براساس درس دادن صرف معلمان نیست بلکه آنها بیشتر نقش راهنما و مربی را پیدا می کنند و معلم نمی تواند بنشیند و ببیند چه اتفاقی می افتد. در نظام آموزشی جدید نقش معلمان بیشتر از نظام آموزشی قدیم است.

امسال بیست و سومین سال خدمت خود را پشت

سر گذاشتیم و در تمام این مدت در روستاها درس

داده ام که از این بیست و سه سال، نوزده را در

روستاهای بسیار محروم بوده ام

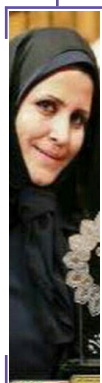
یک سال پیش که با خانم مطهرنیا آشنا شدم در حال کمک کردن به درمان یکی از دانش آموزانش به نام سارا بود تا بهبودی خود را به دست آورد. سارا دانش آموز باهوش و زرنگ خانم مطهرنیا در یکی از روستا ها بود که در دوران نوزادی دچار سوختگی شدید شده بود و از لحاظ جسمی و روحی در وضعیت مناسبی قرار نداشت.

هم اکنون حال سارا چگونه است؟

سارا تاکنون بیست و شش بار جراحی شده و منتظر نوبت بیست و هفتم هستند و در کل در شرایط روحی و روانی مناسبی به سر میبرد.

توصیه ی شما برای معلمان جوان تر؟

اول این که خدا را ناظر بر اعمالشان بدانند و حق دانش آموزان بر آنها جز حق الناس است و بچه های مدرسه را جزئی از وجود خوشان بدانند.





دبیرخانه جشنواره بین المللی فیلم رشد در حوزه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش فعالیت می نماید. این جشنواره به عنوان اولین جشنواره ثبت شده کشور شناخته می شود. ۵۲ سال از عمر این جشنواره می گذرد (یک دوره ۵ ساله در اوایل انقلاب تأخیر داشته است). اگرچه اکثر جشنواره ها دوساله یا چندساله شده و بعضی نیز حذف شده اند اما این جشنواره ماندگار و فعال شده است که امید است با وجود دانشگاه فرهنگیان همیشه ادامه داشته باشد.

جشنواره ۴۵ از آبان ماه در استان های مختلف شروع به اجراء نموده و یک سری از استان ها نیز در دومین ماه بهار ۹۵ برگزار می نمایند. این جشنواره هم زمان با دانشگاه فرهنگیان در آموزش و پرورش نیز اجرا می گردد. با این تفاوت که در دانشگاه فرهنگیان فیلم ها برای سنین بالاتر و به لحاظ علمی برتر اکران می شود و مهمتر اینکه توسط دانشجومعلمیان فیلم ها نقد می شوند.

دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک تکلیف برای تربیت دانشجومعلمیان به فیلم رشد روی آورده تا با فضای رسانه ای بیشتر آشنایی پیدا کنند. سواد رسانه ای معلم آینده باید برتر از الان باشد و آمادگی برای مواجه با آن را داشته باشد. تقویت سواد رسانه ای، رمزگشایی از فیلم ها، آنچه که پنهان است و نیاز به تفکر دارد، تحلیل فیلم و بعد نقد فیلم که آیا درست بود یا خیر مورد ارزیابی قرار گیرد، بتواند ارزشها و ضد ارزشها را درک و تحلیل کند.



برگزار گردید. در این دوره از جشنواره که برای اولین بار در پردیس بنت الهدی صدر بطور مستقل برگزار گردید با پیگیری امور توسط امور فرهنگی و اجتماعی مدیریت استانی دانشگاه فرهنگیان و مسئولین محترم پردیس در فضای پردیس برگزار گردید.



جلسات اکران و نقد فیلم ها با حضور کارشناسان سینما و تعلیم و تربیت و حضور چشمگیر و بانشاط دانشجومعلمیان، اساتید و کارکنان در این پردیس هر روز از ساعت ۱۶ لغایت ۱۹/۳۰ برگزار گردید.

بیشترین مشارکت دانشجومعلمیان در نقد فیلم ها بود که علاوه بر نقد مکتوب بطور شفاهی و مذاکره با اساتید نقد نیز فیلم های اکران شده را از نگاه تربیتی و هنری نقد می کردند که ناشی از توجه آنان به آشنایی بیشتر با سواد رسانه ای و بصری می باشد.

هرروز دو فیلم کوتاه و یک فیلم بلند نمایش داده و پس از اکران جلسات نقد و بررسی نیز برگزار می شد. عوامل برگزارکننده گروهی از دانشجومعلمیان بودند که با هماهنگی امور فرهنگی و اجتماعی مدیریت استان و مسئولین محترم پردیس با استفاده از امکانات موجود به بهترین شیوه عمل نمودند.

عوامل اجرایی دانشجویان خانم ها شراره صادقی، فاطمه رجبی، پرستو برایی، یگانه نصیری، سارا محمودخانی، مهتاب ملکی، مهسا احسانی، حدیثه مهدی پور و مهتاب فکوری بودند.

مقرر شده است تعداد ۴۴ نفر از کسانی که بهترین و بیشترین نقدها را داشته باشند از سوی معاونت محترم فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان با اهدا لوح سپاس و هدایایی مورد تقدیر قرار گیرند. تعدادی نیز از سوی مدیریت استان و پردیس مورد تقدیر قرار خواهند گرفت و دانشجویانی که بیشترین حضور و نقد را داشته باشند گواهی حضور در جشنواره دریافت خواهند کرد.

در دانشگاه فرهنگیان کردستان برای دومین سال است که این جشنواره برگزار می گردد. جشنواره ۴۴ در این دانشگاه با استقبال و حضور چشمگیر و جدی دانشجومعلمیان در جلسات اکران و نقد فیلم ها برگزار گردید.

امسال نیز چهل و پنجمین جشنواره بین المللی فیلم رشد در دانشگاه فرهنگیان کردستان و در پردیس های شهیده بنت الهدی صدر (خواهران) و شهید مدرس (برادران) از ۴ لغایت ۸ اردیبهشت ماه همزمان با آموزش و پرورش





گفت و گو با دکتر یحیی معروفی

ریاست دانشگاه فرهنگیان کردستان

جشن فارغ التحصیلی!!!

تهیه و تنظیم: شراره صادقی - منا شیخله
دانشجویان علوم تربیتی

ترجیح می دهیم از خرد جمعی و حتی مشارکت سایر سازمان ها نیز بهره بگیریم. بنابراین، توصیه می کنم شما در درخواست خود به کمیته فرهنگی پردیس، پیشنهادهای خودتان را در باره ی نحوه برگزاری این جشن، هدایا، مهمانان و ... نیز مطرح کنید تا بعد از طرح در شورای فرهنگی، مناسب ترین تصمیم اتخاذ شود.

آقای دکتر شما چه تفاوتی را برای جشن دانش آموختگی این دوره نسبت به دوره های قبل قائلید؟

همانگونه که می دانید اولین دوره ی دانش آموختگان دانشگاه فرهنگیان در رشته آموزش ابتدایی به حول و قوه الهی، در مهر ۹۵ وارد آموزش و پرورش خواهند شد که این دانش آموختگان به عنوان ملاکی برای قضاوت در باره کیفیت تربیت شدگان دانشگاه نیز محسوب خواهند شد، از این رو، می توان گفت این دوره از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است.

آخرین تدابیر شما برای راهی کردن معلمان پر بار و توانا چیست؟

اجازه بدهید جشن برگزار شود و بعد خودتان متوجه تدابیر ما برای برگزاری آن خواهید شد، فقط می توانم بگویم تمام تلاش خودمان و همکاران را به کار خواهیم بست تا مراسمی در خور شان معلمان آینده کشور برگزار شود. موفق باشید

تدبیر ریاست دانشگاه فرهنگیان برای اولین دوره دانش آموختگی دانشجویانش چه می باشد؟

اگرچه تا به حال از طرف دانشگاه فرهنگیان کشور در این خصوص برنامه ای اعلام نشده است، ولی من برگزاری یک جشن آبرومند و در شأن معلمان آینده کشور را برای همه، به ویژه برای اولین دوره دانش آموختگان دانشگاه فرهنگیان ضروری می دانم. برگزاری این جشن در اغلب دوره های دانشگاهی مرسوم است. پیشنهاد من این است شما به نمایندگی از دانشجویان دانشگاه، آن را به کمیته فرهنگی پردیس خودتان پیشنهاد کنید تا از طریق این کمیته به شورای فرهنگی استان برای بررسی و تصمیم گیری ارسال شود.

انشاء الله در صورت تصویب در شورای فرهنگی استان، برای چگونگی اجرای آن برنامه ریزی خواهیم کرد. یقیناً، بنده نیز به عنوان مسئول این شورا، از این ایده خوب شما حمایت خواهیم کرد.

برای برگزاری این جشن برنامه ریزی خاصی برای مهمانان یا شیوه اجرای آن دارید؟

همانطور که عرض کردم هیچ الگوی از قبل مشخص شده ای برای برگزاری این مراسم وجود ندارد و برای بهتر برگزار شدن آن ضمن اینکه تمام تلاش و امکانات خود را به کار خواهیم بست،

سلامی پر شور خدمت دکتر معروفی. با سلام بر دانشجومعلمان عزیز و خوانندگان این نشریه دانشجویی. خوشحالم که فرصتی فراهم شد تا در گفت و گوی صمیمانه با شما شرکت کنم.

جناب دکتر معروفی در اولین جشن فارغ التحصیلی چه حس و حالی دارید؟

قبل از پاسخ به سوالات، در ابتدا لازم می دانم نکته ای را متذکر شوم. بنده خیلی با اصطلاح رایج فارغ التحصیلی موافق نیستم. چون ما نباید هیچ وقت خودمان را از تحصیل «فارغ» یا بی نیاز از کسب علم و دانش بدانیم. فارغ از تحصیل بودن برای هیچ انسان تحصیل کرده ای زیبنده نیست چه رسد به یک معلم که نیاز او به تحصیل و کسب دانش و یادگیری مادام العمر، همانند نیاز ماهی به آب است. بهتر است به جای اصطلاح فارغ التحصیلی از دانش آموختگی و به جای فارغ التحصیلان از اصطلاح دانش آموختگان استفاده کنیم. اما پاسخ سوال اول شما، اگر منظورتان حس و حال بنده در زمان جشن دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان کردستان باشد، به طور طبیعی از اینکه اولین دستاورد دانشگاه فرهنگیان، به عرصه ی خدمت در نظام تعلیم و تربیت کشور پا خواهد گذاشت، بسیار خوشحال خواهیم شد.



معرفی پرسشنامه‌ی خودکارآمدی شغلی (JSEQ)

بیان نسایی مقدم
کارشناسی ارشد روانشناسی و استاد دانشگاه فرهنگیان

روایی و پایایی پرسشنامه خودکارآمدی شغلی (JSEQ)

ریگز و نایت (۱۹۹۴)، به نقل از کیم و کیم، (۲۰۰۱) ویژگی‌های روان سنجی این پرسشنامه را بعد از طراحی آن مورد بررسی قرار دادند. آلفای کرونباخ به دست آمده برای ابعاد این پرسشنامه بین ۰/۸۵ تا ۰/۸۸ بود که برای بعد باورهای خودکارآمدی فردی ۰/۸۶، انتظار پیامدهای فردی ۰/۸۸، باورهای کارآمدی جمعی ۰/۸۸، انتظار پیامدهای جمعی ۰/۸۵ می‌باشد. همچنین همبستگی درونی بین خرده مقیاس‌ها بین ۰/۰۶ تا ۰/۵۶ گزارش شده و مقیاس کارآمدی فردی مستقل‌ترین مقیاس یافت شد. در ایران و در پژوهش مرعشیان و همکاران (۱۳۹۲) ضرایب آلفای کرونباخ و دونیمه سازی به ترتیب برابر ۰/۵۳ و ۰/۷۵ به دست آمد.

نمره‌گذاری پرسشنامه خودکارآمدی شغلی (JSEQ)

عبارات این پرسشنامه، بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند که هر یک

خودکارآمدی شغلی برگرفته از مفهوم خودکارآمدی بندورا است. خودکارآمدی شغلی به عنوان قضاوت فرد در مورد توانایی خود برای انجام اصل تکلیف در چارچوب شغلی و حرفه‌ای معین تعریف شده است (بتز و هاگت، ۱۹۸۱). بندورا خودکارآمدی را یک عقیده شخصی در توانایی فرد برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار خاص تعریف کرده و آن را به عنوان یکی از عوامل انگیزشی فرد برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار خاص و انجام هر فعالیتی می‌داند (بندورا، ۲۰۰۰). همچنین وی خودکارآمدی را یک عامل تعیین کننده موثر برای تلاش افراد و مقاومت آنها در برابر هر فعالیتی دانسته و آن را به عنوان باورهای

افراد به توانایی‌های خود در انجام وظایف به طور موفقیت‌آمیز تعریف کرده است (بندورا، ۲۰۰۰). خودکارآمدی براساس چهار منبع تجربه‌های موفق، تجربه جانشینی، ترغیب‌های کلامی، حالات عاطفی و فیزیولوژیکی شکل می‌گیرد که آگاهی دهنده نیستند، بلکه داده‌های خام هستند که از طریق پردازش شناختی آموزنده می‌شوند (بندورا، ۱۹۹۷). خودکارآمدی شغلی از انگیزش و رفتار تأثیر گرفته و به طور متقابل بر آنها تأثیر می‌گذارد و سطوح بالای آن موجب افزایش مشارکت فرد در تکالیف و رفتارهای شغلی می‌گردد (بتز و هاگت، ۱۹۸۱). تحقیقات نشان می‌دهد که



پرسشنامه خودکارآمدی شغلی (JSEQ) توسط ریگز و نایت در سال ۱۹۹۴ ساخته شده است. این پرسشنامه که مشتمل بر ۳۱ سوال می‌باشد، چهار بعد از خودکارآمدی شغلی که عبارتند از: باورهای خودکارآمدی فردی، انتظار پیامدهای فردی، باورهای کارآمدی جمعی و انتظار پیامدهای جمعی را می‌سنجد.



عبارات زیر را خوانده و پاسخ خود را با توجه به گزینه‌های روبروی هر سوال علامت بزنید.
راهنمای جدول: ۱- کاملاً مخالفم ۲- مخالفم ۳- نه موافقم نه مخالفم ۴- موافقم ۵- کاملاً موافقم

عبارات	۱	۲	۳	۴	۵
۱ من به توان خودم در انجام دادن وظایف شغلی ام اطمینان دارم.					
۲ بعضی وظایفی را که برای کارم ضروری اند، نمی‌توانم به‌خوبی انجام دهم.					
۳ عملکرد ضعیفم به علت ضعف توانایی خودم می‌باشد.					
۴ من به توانایی خودم در انجام وظایف کاری ام شک دارم.					
۵ من برای انجام مطلوب وظایف کاری ام مهارت‌های لازم را دارم.					
۶ تمام افرادی که در واحد کاری ام هستند این شغل را بهتر از من انجام می‌دهند.					
۷ من در شغلم مهارت کافی را دارم.					
۸ آینده کاری من به علت محدود بودن مهارت‌هایم مبهم است.					
۹ من به مهارت‌ها و توانایی‌های شغلی ام افتخار می‌کنم.					
۱۰ وقتی دیگران به من در حال کار کردن نگاه می‌کنند دستپاچه می‌شوم.					
۱۱ من به خاطر خوب انجام دادن کارم به‌خوبی تشویق می‌شوم.					
۱۲ در اینجا برای انجام دادن کار خوب به تلاش بها داده نمی‌شود.					
۱۳ در اینجا انجام خوب کارها یک‌راه مطمئنی برای ترقی و پیشرفت است.					
۱۴ اکثر کارهای (عملکرد) خوب من در شغل نادیده گرفته می‌شود.					
۱۵ در اینجا ترفیع و حقوق بر اساس چگونگی عملکرد تعیین می‌شود.					
۱۶ در اینجا ارزشیابی شغلم صحیح انجام می‌گیرد.					
۱۷ کار خوب در اینجا همان نتیجه کار ضعیف را می‌دهد.					
۱۸ برای دستیابی به آنچه (ترفیع و پاداش) که می‌خواهم باید کارم را خوب انجام دهم.					
۱۹ موسسه‌ای که من در آن کار می‌کنم دارای توانایی‌های در حد بالای متوسط است.					
۲۰ این سازمان در قیاس با سازمان‌هایی که کار مشابه انجام می‌دهند ضعیف است.					
۲۱ این سازمان توانایی‌های لازم برای انجام کار مطلوب را ندارد.					
۲۲ اعضای این سازمان دارای مهارت‌های شغلی بالا می‌باشند.					
۲۳ بعضی از اعضای این سازمان به علت ضعف مهارت‌هایشان باید برکنار می‌شدند.					
۲۴ این سازمان (بخشی که من در آن مشغول کار هستم) زیاد کارآمد و اثربخش نیست.					
۲۵ بعضی از اعضای این سازمان نمی‌توانند وظایف کاری‌شان را خوب انجام دهند.					
۲۶ برای گروه (بخش کاری) من مهم است که کارها را خوب انجام دهد.					
۲۷ وقتی که گروه (بخش کاری) من کار را به نحو مطلوب انجام دهد، افراد زیادی سود می‌برند.					
۲۸ هنگامی که گروهم کارش را ضعیف انجام دهد کسی اهمیت نمی‌دهد.					
۲۹ عملکرد این سازمان شدیداً به کیفیت انجام کار گروهم وابسته است.					
۳۰ این سازمان نیازی به کارهایی که این گروه انجام می‌دهد، ندارد.					

از این گزینه‌ها از ۱ تا ۵ امتیاز دارند:
کاملاً مخالفم: ۱، مخالفم: ۲، نه موافقم و نه مخالفم: ۳، موافقم: ۴، کاملاً موافقم: ۵

نمره‌گذاری معکوس:

در این پرسشنامه سوالات: ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند:
کاملاً مخالفم: ۵، مخالفم: ۴، نه موافقم و نه مخالفم: ۳، موافقم: ۲، کاملاً موافقم: ۱.
این پرسشنامه دارای ۴ زیرمقیاس به شرح زیر می‌باشد:

عامل	سوالات
باورهای خودکارآمدی فردی	۱-۱۰
انتظار پیامدهای فردی	۱۱-۱۸
باورهای کارآمدی جمعی	۱۹-۲۵
انتظار پیامدهای جمعی	۲۶-۳۱

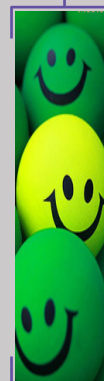
نمره‌گذاری:

بالاترین نمره ای که فرد در این پرسشنامه می‌تواند اخذ نماید ۱۵۵ و پایین‌ترین نمره ۳۱ می‌باشد. یقیناً اگر نمره یک آزمودنی بالاتر از ۹۳ (حاصل ضرب تعداد سوالات در عدد ۳) باشد نمره ای بالاتر از میانگین بدست آورده است و نشانگر خودکارآمدی شغلی بالا در وی می‌باشد و اگر کمتر از ۹۳ دریافت نموده باشد پایین‌تر از میانگین و به معنی خودکارآمدی شغلی پایین خواهد بود.



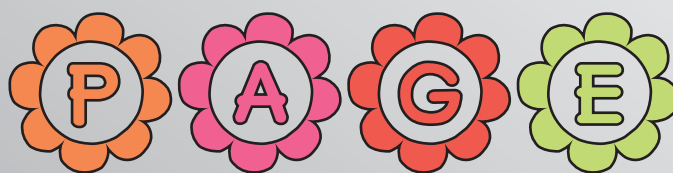
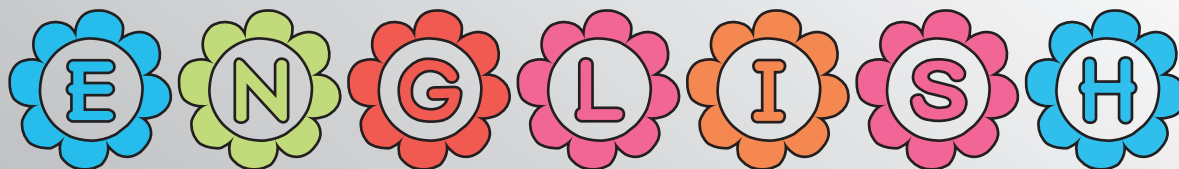
منابع:

مرعشیان، فاطمه سادات؛ نادری، فرح؛ حیدری، علیرضا؛ عنایتی، میرصالحالدین. عسگری، پرویز (۱۳۹۲). مقایسه فرهنگ سازمانی، هوش هیجانی و خودکارآمدی شغلی در کارکنان زن و مرد. مجله روان‌شناسی اجتماعی، ۸(۲۸)، ۷۹-۹۱.
Bandura, A. (۱۹۹۷). Self-efficacy: The exercise of control. New York: Freeman.
Bandura, A. (۲۰۰۰). Cultivate self-efficacy for personal and organization effectiveness Handbook of principles of organization behavior. Oxford, uk: Blachwell. pp.۱۲۹-۱۲۰.
Betz, N., & Hackett, G. (۱۹۸۱b). the relationship of career related self-efficacy expectations to perceived Career options in college women and men. Journal of counseling Psychology, ۴۱-۲۸، ۳۹۹.
Blustein, D.L. (۱۹۸۹). the role of goal instability and career self-efficacy in the career exploration process. Journal of vocational Behavior, ۲۰۳-۳۵، ۱۹۴.



از سختی ها و مشکلات زندگی استقبال کن و با غلبه بر آن ها به خود پاداش بده.	هنگام عصبانیت هیچ تصمیمی نگیر.	انتظار نداشته باش همیشه آنچه را در اطرافت اتفاق می افتد مطابق میل و خواسته ات باشد.	شادی خود را به هیچ کس وابسته نکن تا همیشه از آن برخوردار باشی.
با بحث های بی نتیجه انرژی خود را هدر نده.	به تفسیر و تعبیر کارهای دیگران نپرداز.	قبل از مطمئن شدن، در مورد هیچ چیز قضاوت نکن.	اجازه نده اتفاقات ناخوشایند روحیه ات را خراب کند.
از هیچ کس و هیچ چیز توقع نداشته باش.	قلبت را از نفرت خالی کن تا خوشبختی در آن لانه کند.	چیزهایی که دوست داری، به دیگران ببخش.	انتظار نداشته باش با منفی نگری جسمی سالم داشته باشی.
هر کاری را با علاقه و تمرکز انجام بده.	با دیگران طوری رفتار کن که دوست داری با خودت رفتار شود.	هنگام عصبانیت نفس عمیق بکش و تا ده بشمار.	تا با خود مهربان نباشی، نمی توانی مهر بورزی.
برای انجام کارهای مورد علاقه ات زیاد به نظرات دیگران اهمیت نده.	به خنده های بی دلیل دوران کودکی نیاز مندیم		زندگی خود را هدفمند کن و برای رسیدن به اهدافت تلاش کن.
به هیچ کس امید نداشته باش جز خدا.			در تصمیم های خود تأخیر نینداز.
اندوه روز نیامده را، بر روز آمده ات نیفزا.	در زندگی به جای «شناور بودن»، «شناگر» باش.	برای این که شاد باشی باید شادی آفرین باشی.	بر جسم و روح خود مسلط شو.
به جای بیزاری از انسان ها از رفتارهای بد آن ها متنفر باش.	بی احترامی دیگران را با بی اعتنائی جواب ده.	قبل از انجام کاری یا گفتن چیزی به ضرورت آن بیندیش.	هرگز سعی نکن به دیگران بقبولانی که حرفت درست است.
به خاطر اشتباهات گذشته خود را سرزنش نکن.	خود را از اسارت زنجیرهای بدبینی، منفی نگری و ناامیدی آزاد کن.	یگانه داروی آرام بخش روح و جان، یاد خداست.	بگذار دیگران از تو به عنوان فردی آرام و خوشرو یاد کنند.
هنگام از دست دادن، ناراحت نشو، وقتی هم چیزی به دست آوردی خوشحال نباش.	با شرایط زندگی سازگار باش.	در فرهنگ لغات خود «شکست» را «تجربه» معنا کن.	به دیگران کمک کن تا آنچه را که می خواهند به دست آورند.
هرگز خودت را با دیگران مقایسه نکن، چرا که تو چیزهایی داری که دیگران در حسرت آن ها هستند.	به قدر توان تلاش کن و نتیجه را به خدا واگذار کن.	برای کشف حقایق، زیاده فکر کن، به خصوص جهان آفرینش.	در مقابل خواسته ها و گفتار دیگران انعطاف پذیر باش و نخواه که حرف، حرف خودت باشد.

شراره صادقی، علوم تربیتی



Today will never come again. Be a blessing. Be a friend. Encourage someone.

Take time to care. Let your words heal and not wound.

امروز هرگز برنخواهد گشت، شاکر باش. بعضی ها را تشویق کن (دلگرم کن). حواست به زمان باش. اجازه بده کلمات التیام بخش باشه نه آسیب رسان.

In the end what matters most is how well did you love how well did you live
how well did you learn to go. (Dalai lama)

در پایان، هر چیزی که بیشترین اهمیت را دارد این است که چقدر خوب عشق ورزیدی، چقدر خوب زندگی کردی و چقدر خوب یاد گرفتی.

Everyone has a "friend" during each stage of life but only lucky ones have the
same friend in all stages of life.

هرکسی در هر مرحله از زندگی اش یک رفیق دارد اما خوشبخت کسی است که فقط یک رفیق در همه ی مراحل زندگی اش داشته باشد.

Letting go of the past is your first step to happiness.

بی خیال گذشته ها شدن، اولین قدم شما برای خوشحالی است.

If you're helping someone and expecting something in return you're doing
business not kindness.

اگر شما به کسی کمک می کنید و در عوض انتظار چیزی دارید، شما دارید معامله می کنید نه مهربانی.

What worries you masters you.

چیزی که تو را نگران می کنه، تو را ماهر می سازد.

Your excuses get you %۰ closer to your goals.

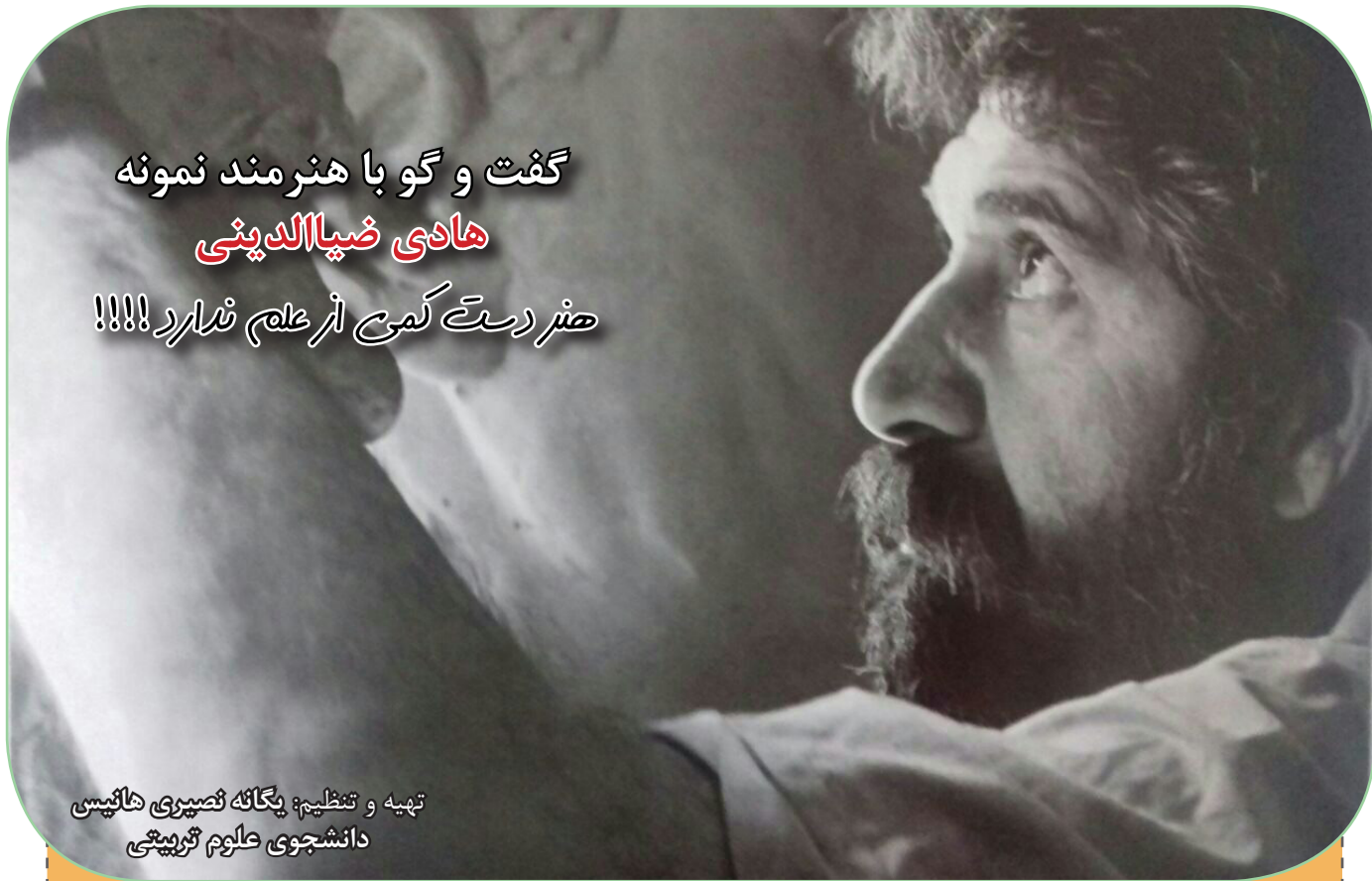
پهانه های تو %۰ به اهداف نزدیکت می کنه.

The key to success is to start before you're ready.

کلید موفقیت این است که قبل از آماده شدن، شروع کنی.

ثنا کرمی، دانشجوی علوم تربیتی





گفت و گو با هنرمند نمونه
هادی ضیاءالدینی
هنر رسته کمی از علم ندارد!!!!

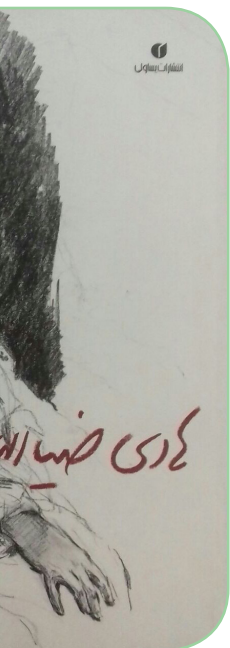
تهیه و تنظیم: یگانه نصیری هائیس
دانشجوی علوم تربیتی

زندگی نامه:

هادی ضیاءالدینی در سال ۱۳۳۵ در سمنج و در محله «چورآباد» و در خانواده ای اهل شعر و عرفان متولد شد. قبل از دبستان به نقاشی پرداخت و بعد از دوره ابتدایی اولین گام ها را در مجسمه سازی برداشت. ضیاءالدینی در سال ۱۳۵۶ وارد دانشکده هنر های زیبای تهران شد.

شرکت در مسابقات:

برگزیده در چهارمین بی پیتال (دوسالانه) نقاشی ایران (موزه هنر های معاصر تهران ۱۳۷۶)
برگزیده اولین بی پیتال (دوسالانه) بین المللی طراحی ایران (موزه هنر های معاصر تهران)
منتخب اولین جشنواره هنر های تجسمی اصفهان و دریافت دیپلم افتخار در زمینه مجسمه سازی ۱۳۶۷



نیست. بخش اعظم در یک اثر هنری داشتن مهارت تکنیکی است. اگر فردی هنرمند باشد اما تکنیک نداشته باشد، توانش بر بیان مطلب کم می شود. در واقع اگر هنرمند هنر خود را به خوبی نشانسد، فکر و اندیشه فایده ای ندارد. دقیقاً همانند فردی که بهترین سواد را دارد اما دست و زبان برای بیان نداشته باشد. برای به دست آوردن این تکنیک رنج و زحمت زیادی لازم

مناسب را پیدا می کنم.

چه عاملی در طول این سالها برای شما انگیزه بخش بوده است؟

بنده به عنوان فردی که سابقه کاری بلند مدتی دارم و عاشق کارم هستم، با مردم عجین شده ام. این عجین شدن سبب شده که نسبت به اتفاقات و حوادث پیرامونم حساس تر بشوم. هر فضای اجتماعی خاصی که پیش می آید، همانگونه که مردم را تحت تاثیر قرار می دهد، من را نیز متأثر می کند. همین ها به من انگیزه می دهد.

آیا برای خلق یک اثر هنری سن اهمیت دارد؟
خلق یک اثر هنری به همین سادگی

سبک آثار هنری شما چیست؟

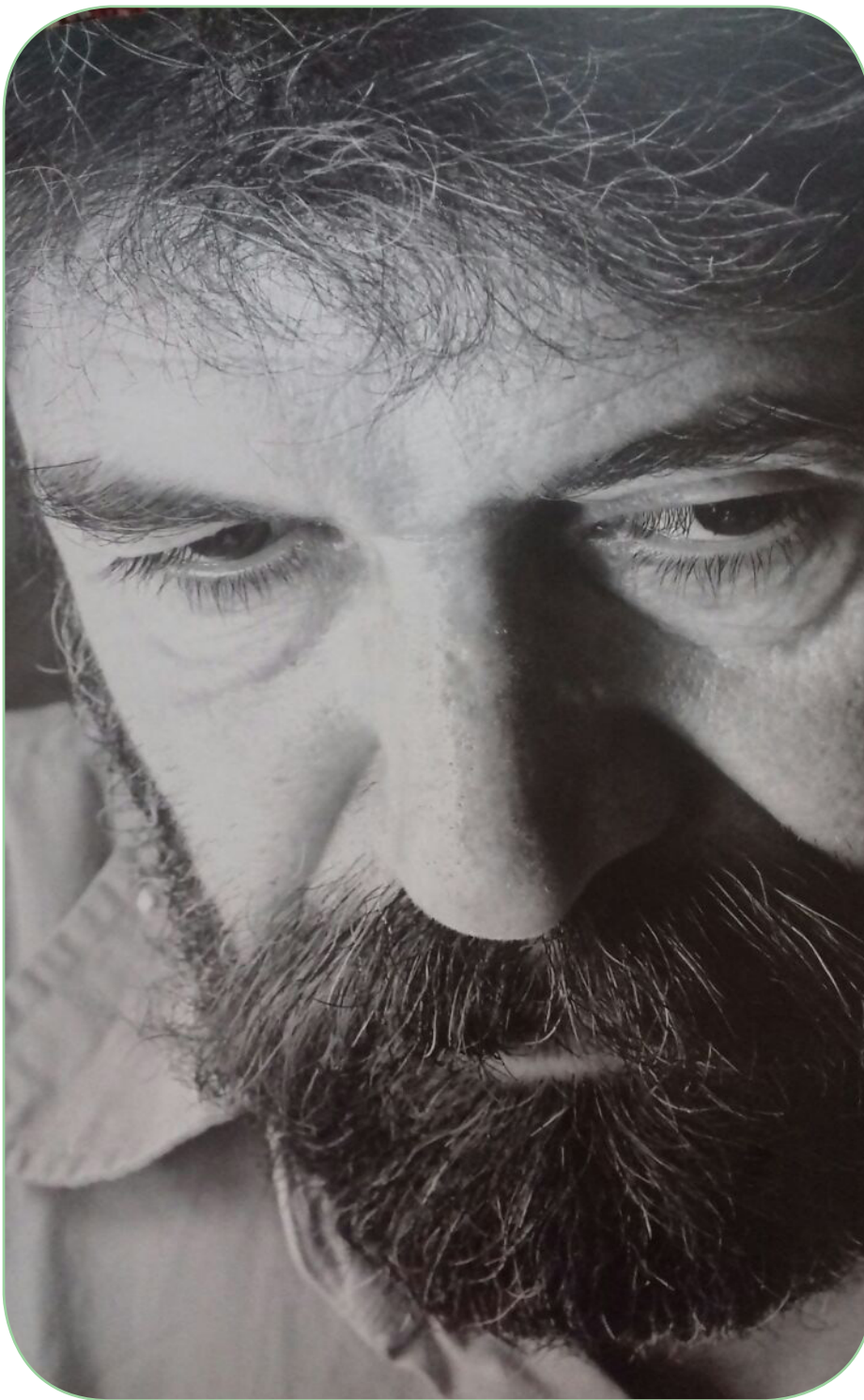
از همه شیوه ها برای بیان بهتر موضوع مورد نظر استفاده می کنم. اما بیشتر آثار بنده در حوزه رئالیسم است.

آثار شما الهام گرفته از چیست؟

آثار بنده تاثیر گرفته از محیط، مردم و در کل بازتاب اتفاقات در جامعه است.

آیا موضوع اجتماعی خاصی را در بر می گیرد؟

نه صرفاً. هر پدیده اجتماعی که در محیط پیرامون پیش می آید، شکلی منسجم می گیرد، تبدیل به موضوع شده و سپس محتوا را تشکیل می دهد. در نهایت برای محتوا قالب و شکل



است. کسی که در دوران کودکی شروع کرده و ادامه دهد خیلی بهتر است؛ اما کسی هم که در چهل سالگی شروع می کند مشکلی ندارد. فقط باید خود را به سرحد آن مهارت برساند.

بهترین خاطره ی هنری که تا به حال داشته اید چه بوده است، در واقع نمایشگاه یا اثر خاصی که برایتان خاطره آفرین بوده است؟

زمانی که در حال ساختن مجسمه مولوی کرد بودم، توی کارگاه در حین کار که مدام مشغول تراشیدن پیکر بودم کبوتری آمد و روی شانه ام نشست. چنین اتفاقی شاید در کشورهای اروپایی عادی باشد، اما در جایی همانند اطراف خودمان که مور و ملخ و پرنده ها که از دست انسان فرار می کنند، در ذهن خیلی جالب و ماندگار است که یک کبوتر چند دقیقه روی شانه ام بنشیند و همدیگر را نگاه کنیم.

رمز موفقیت شما چیست؟

من خودم شخصاً در ارتباط با هنر اصلاً قانع نیستم و هیچ وقت خودم را به عنوان یک فرد موفق قلمداد نکرده ام. به همین دلیل دائماً مشغول کار کردن هستم. اگر ارزشی در آثار بنده هست، مهم ترین دلیلش تمرین و ممارست زیاد است. به گونه ای که هرروز از طلوع خورشید تا غروب مشغول مجسمه سازی و از غروب تا نیمه های شب به نقاشی می پردازم. پس مطمئناً شخصی که در طول روز یک ساعت تفننی کار می کند عقب می ماند. دلیل مهم دیگرش این است که هیچ وقت با هنر خودم دروغ نمی گویم. هر جا احساس کنم دارم اشتباه پیش می روم، آن را تصحیح می کنم. تمرکز بر فعالیت در پیشرفت مهارت های هنری بسیار تاثیر گذار است. چون عدم تمرکز و از این شاخه به آن شاخه پریدن سبب می شود که آن هنر به سرحد کمال نرسد.



انتظار شما از مخاطبانان چیست؟

تنها انتظاری که از آن ها دارم این است که با بازدید از آثار و نمایشگاه های بنده سبب دلگرمی هرچه بیشتر شده و انگیزه ای برای پیشرفت را رقم زنند.

کلام آخر؟

تشکر بی نهایت از مردم که در هر بار برپایی نمایشگاه به معنای واقعی کلمه محبت خود را ابراز کرده اند.

چه توصیه ای به علاقه مندان دارید؟

هنر دست کمی از علم ندارد، هر فردی برای رسیدن به آنچه می خواهد باید رنج و مشقت زیادی را متحمل شود. هیچ تفاوتی میان علم و هنر از لحاظ میزان تحمل زحمت نیست. توصیه من به علاقه مندان این است که تا آخرین حد توان خود برای پیشرفت در هنرشان زحمت بکشند.

امیر دوستی، علوم تربیتی، مریوان
سنندج در یک نگاه



۱

پرستو احمدحیدری، علوم تربیتی، سنندج
میدان آزادی شهرم سنندج



پرستو برایی، ونیغه، علوم تربیتی، مریوان
زنده شدن دریاچه زریبار بعد از مدت ها



فرهاد حبیدالله زاده، علوم تربیتی
در تپ بهار



دوربین شما





۳

عرفان محمد مرادی، علوم تربیتی، پیرانشهر
سر تعظیم در پیشگاه خداوند

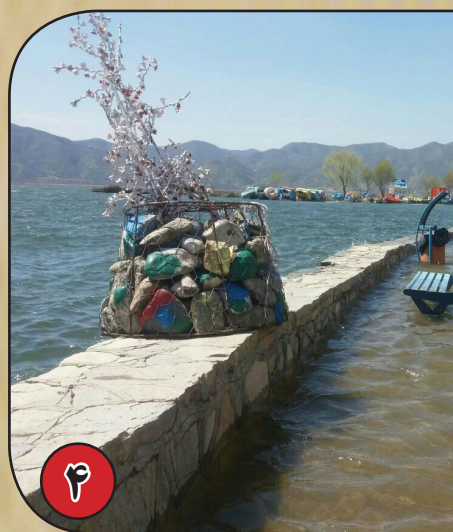


۲



۵

بهروز سهرابی، علوم تربیتی، دیواندره
سال جدید و آیین باستانی استان

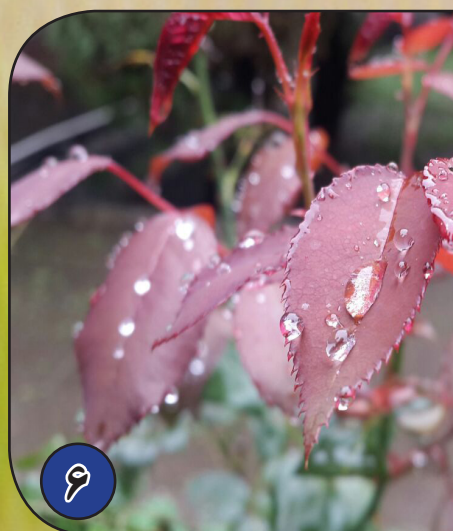


۴



۷

الهام جمادی، علوم تربیتی، بیجار
باز هم بهار و فصل شاعری



۶

شما کدام یک از عکس ها را بیشتر می پسندید؟

لطفاً فقط **عدد** گزینه مورد نظر خود را از طریق پیامک به شماره **۵۰۰۰۵۴۱۰۳۵** ارسال نمایید.
به چند نفر از شرکت کنندگان در این نظرسنجی هدایایی اهدا خواهد شد.



بازخورد فرایندی (کلاسی)

افشین لهنوی
کارشناسی آموزش ابتدایی و معلم نمونه کشوری

بازخورد فرایندی (کلاسی)

بازخوردهای فرایندی، همان بازخوردهای توصیفی شناختی و فراشناختی است که معلم به منظور بهبود روش ها و نحوه ی یادگیری و آگاه شدن دانش آموز از قوت ها و ضعف های یادگیری مطالب و مباحث دروس مختلف به دانش آموز ارائه می نماید؛ و دانش آموز با استفاده از این بازخوردهای پیوسته، هدفمند، متنوع، توصیفی و ساده و قابل فهم معلم، پی می برد که در چه وضعیتی قرار دارد؛ و چه فعالیت هایی را باید انجام دهد. به عبارتی دیگر بازخوردها باید به گونه ای باشد که کودک آن ها را درک کند و در او انگیزش لازم را به وجود آورد. لذا معلم با در نظر داشتن اهداف یادگیری و با توجه به سن و سطح درک بچه و اوضاع و شرایط خاص روحی و روانی و نوع عملکرد دانش آموز، با استفاده از بازخورد، او را به نتیجه عملکرد خود آگاه می گرداند. بازخوردی که نقش غذای رشد دهنده را دارا می باشد؛ بدان معنا که دریافت آن توسط یادگیرنده او را یک گام به جلو پیش براند. یادمان باشد بدون دیدن توانایی ها، موفقیت های آن ها، انتظار تغییر و اصلاح داشتن، تصور بیهوده ای است. یادگیرنده



باید خالصانه و صادقانه بیان شوند. اگر دانش آموز احساس کند بازخوردها توأم با ریاکاری است و عبارات غیرواقعی و اغراق آمیز استفاده شده، باید پذیرفت که معلم ندانسته با این عمل دیواری شده فرا روی رشد و پیشرفت دانش آموز. به عنوان مثال اگر دانش آموزی متوجه شود که معلم جمله ی: «گلم! خوشگلم!! عزیزم!!! کارت خیلی خوب است» را گرچه خود کلی و مبهم است اما به شکلی غیر ارادی و بدون هرگونه احساس واقعی بر زبان آورده نه اینکه در او انگیزشی را بیدار نخواهد کرد که او را دچار ناراحتی و ناامیدی شدید می نماید. دانش آموز در این مواقع فکر می کند که معلم واقعا از موفقیت هایش خوشحال نشده و به او توجهی ندارد و ...

بنابراین چه بازخوردی مناسب است؟ چگونه بازخورد مناسب ارائه دهیم؟ از کجا بدانیم که بازخوردی که می دهیم مناسب است؟ و ...
برای روشن تر شدن این بحث، بازخوردهای فرایندی را از سه زاویه ای خاص نگاه می کنیم و معرفی می نماییم؛ این سه زاویه عبارتند از:
الف) بازخوردهای فرایندی مجاز
ب) بازخوردهای مجاز با احتیاط لازم
ج) بازخوردهای غیر مجاز.

بازخوردهای فرایندی مجاز

بازخوردهای فرایندی مجاز که بر اساس اصول علمی و شناخت دانش آموز، ارائه می گردد و همچون، غذایی رشد دهنده، عزت نفس و خود باوری و انگیزش لازم برای حرکت و تلاش و کوشش در دانش آموزان را فراهم می گرداند. این دست بازخوردها به پیشرفت ها تأکید دارند و معلم کوچک ترین پیشرفت دانش آموز را بزرگ کرده و او را تشویق می نماید به ویژه این شیوه برای دانش آموزان ضعیف نقش معجزه آسایی را داراست. مثلا دانش آموزی که به تعبیری عام شلوغ است و همواره مزاحمتی برای کلاس دارد همین که در انجام تکلیفی یا ... هنجار کلاس را رعایت نمود، معلم نباید از این فرصت غفلت کند و سریع و به هنگام بازخورد دهد که مثلا «آفرین پسرم چه خوب و آرام تکلیفت را انجام میدهی و ... منو خوشحال کردی». این دقت و ریزبینی معلم به دانش آموز می فهماند که این نوع رفتار چقدر مورد توجه اوست.

برای این که این رفتار در کودک بماند و تقویت شود معلم این رفتار دانش آموز را برای دیگران



تا احساس خوبی نسبت به خویش نداشته باشد، موفقیت های خود را نشناسد با تصویر گرفتن و مرور آن ها، دلگرم و تحریک نشود، به انجام فعالیت های مورد نظر معلم راغب نخواهد شد. بر این اساس در بازخوردها ابتدا سعی کنیم اعتماد به نفس، حس لیاقت و داشتن کفایت در آن ها رشد دهیم. یعنی این که جملاتی که به کار بگیریم که تاثیر مثبت خود را بر روان دانش آموز بگذارد. برای این منظور بازخوردهای معلم

نیز بازگو نماید. مثلاً برای مدیر مدرسه، اولیاء، همسالان دانش آموز و ...

این نوع بازخوردها سه ویژگی مهم را دارا می باشند: ۱- در آنها نقاط قوت دانش آموز، بزرگ نمایی شده ۲- نقاط ضعف دانش آموزان، با احتیاط بیان گردیده ۳- رهنمودهای عملی متناسب با تفاوت های فردی دانش آموز، ارائه گردیده است. برای تفهیم ساده تر و قابل فهم شدن این نوع از بازخورد مثالی ذکر می کنیم. فرض کنید امروز نهار یا شام به خانه می روید و کسی که مسئول تهیه ی غذا است ضمن این که تمام تلاش و کوشش و خلاقیت خود را در پخت غذا، چیدن میزه یا سفره و سرو غذا و ... اعمال نموده اما به هر دلیلی مقدار نمک به کار رفته، بیش از حد مجاز بوده و غذا شور شده در این حالت چهار نوع بازخورد ممکن است اتفاق افتد:

۱- هیچ بازخوردی ندهیم و غذا را به قدر توان بخوریم (در این حالت هیچ گونه کمکی به بهبود غذا در نوبت های بعدی نکرده ایم و وضع بد موجود را تثبیت نموده ایم).
۲- بازخوردی کلی و غیر راهگشا بدهیم مثلاً بگوییم «بیشتر دقت کن»، «برای پخت مناسب، غذا بیشتر تلاش کن»، «این غذا با میل و ذائقه من نیست» و ... که او نمی داند در چه چیزی دقت کند؟ و غذای مورد میل و ذائقه او کدام است؟ و چه ویژگی هایی را داراست؟.

۳- تنها نقاط ضعف را ببینیم و بگوییم چه غذای شوری! چرا اینقدر شور درست نموده اید؟ چرا مواد را حرام کرده اید؟ و ... (در این حالت در آشپز حس گناه و یاس و دلسردی ایجاد کرده و انگیزه تلاش و کار بیشتر را در او کشته ایم چرا که توانایی های او را ندیده ایم مثل اینکه دانش آموزی صد کلمه املا را نوشته و ۲۰ کلمه اش غلط بوده و ما به او صفر داده ایم!)

۴- نقاط قوت غذا و چینش سفره و استفاده از وسایل و ابزار و ملزومات مناسب را دیده و نقاط ضعف (شوری) را با احتیاط بیان و رهنمودهای لازم را ارائه می نماییم. به عبارتی به او خواهیم گفت: چه غذای خوبی درست کرده ای و چه تزیینات قشنگی و چه سفره زیبایی و ... من دوست دارم نمک غذا کمتر از این باشد. اگر نمک کمتری در غذا بریزی بهتر است.

معلم نباید به اهمیت بازخوردهای که چاشنی اصلی آن ها تشویق است غافل باشد این دسته از بازخوردها در تضمین سلامت روان نقش بی همتایی را داراست. یعنی نباید در خلوت

خیال و بیان و نگارش او، عبارات به هنگام تشویقی، تبدیل شود به کالایی نایاب و دست نیافتنی بلکه معلم باید، در هر بازخوردی چاشنی اصلی بازخوردها را عبارات تشویقی به خدمت گرفته باشد تا یادگیرنده به انجام فعالیت های مورد نظر، دلگرم و تحریک شود، حس لیاقت و داشتن کفایت در او رشد کند و نسبت به خویش احساس خوبی داشته باشد. به عنوان نمونه معلم وقتی می خواهد به نقاشی دانش آموز بازخورد دهد،

بهتر است بگوید: من رنگ آمیزی زیبای شما را می پسندم. این جمله یک دانش آموز را خیلی بیشتر دلگرم و خوشحال می سازد و به او انگیزه می دهد تا این جمله که نقاشی زیبایی است.

چنانکه اشاره گردید بازخورد فرایندی است که یادگیرنده بدان وسیله از چگونگی یادگیری خود آگاه می شود و همین باعث می گردد تا نسبت به اصلاح رفتار اقدام کند. در بسیاری از موارد، بازخوردهای معلم باعث می گردد تا دانش آموزان به درستی یا نادرستی واکنش و عمل خود پی ببرند. بنابراین معلم برای تسهیل در فرایند یاددهی - یادگیری، با توجه به تفاوت های فردی بچه ها با روش های مختلف، به آنها بازخورد خواهد داد. این عمل، در دانش آموز اعتماد به نفس ایجاد می کند. بنابراین منظور از بازخوردهای مجاز عبارتند از هر بازخوردی که خواندن، شنیدن و حس کردن آن برای دانش آموز انگیزاننده باشد. این نوع بازخوردها عموماً ناظر بر موفقیت ها و پیشرفت های دانش آموز می باشد و او را به حرکت و پویایی راهنما خواهد بود.

مثال:

* دخترم املاي درس ... را خوب نوشته اي
* براي برطرف شدن چند اشكال املا از روي خط اول تا چهارم درس، يكبار با دقت بنويس. تشديد كلمات را با مداد رنگي بنويس.
* از املايي كه نوشته اي، راضييم. براي بهتر شدن املاي بعدي، با كلمات جمله بساز.
* و...

بازخوردهای مجاز با احتیاط لازم

بازخوردهای مجاز با احتیاط لازم، به دو دسته می توان تقسیم کرد.
نخست بازخوردهایی است که معلم با آگاهی و



بازخوردهای غیرمجاز

بازخوردهای غیرمجاز به دو دسته تقسیم می شوند نخست این که برخی از معلمان به اشتباه روی تکالیف و آزمون های دانش آموزان به جای بازخوردهای توصیفی قابل فهم از مقیاس های رتبه ای (مانند: در حد انتظار، نزدیک به انتظار، نیاز به تلاش و آموزش بیشتر یا خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش و آموزش بیشتر و ...) استفاده می کنند؛ که پیداست این مقیاس ها جز در گزارش پیشرفت تحصیلی (کارنامه) و ابزارهای سنجش مشاهده ای، استفاده از آن ها غیر مجاز می باشد؛ و دوم آن دسته از بازخورها را غیر مجاز گویند که منجر به ایجاد نگرش منفی و تنفر از مدرسه و باور به ناتوانی را در دانش آموز ایجاد می نمایند یا شنیدن و خواندن آن ها تهدید آمیز است و ...

به عنوان نمونه :

- * نمی توانی
- * همیشه اشتباه می کنی
- * قادر نیستی
- * تو هیچوقت نمی توانی ...
- * چرا نمی توانی مثل ... باشی!
- * مشقی که نوشته ای، چرا اینقدر زشت است!
- * بار آخرت باشد که ...

اگر دقت کنید، می بینید در هر یک از جملات فوق، نوعی بر چسب زدن و نسبت دادن صفتی منفی است که با نسبت دادن آن به کودک، او باور می کند که واقعاً دارای عیب و نقصی است و نمی تواند آن را برطرف کند. در نتیجه اعتماد به نفس و انگیزه وی برای جبران ضعف درسی اش از بین می رود.

منبع:

مدیریت باز خورد، دکتر مرتضی شکوهی

دانش لازم نقاط ضعف دانش آموز را می شناسد و به زبانی ساده و قابل فهم، راهنمایی های لازم را به او ارائه می نماید لیکن توانمندی های دانش آموز را چندان که در شیوه قبل، توجه می کرد، مد نظر قرار نمی دهد اگر هم به آن ها توجهی داشته باشد، بسیار کم رنگ است. به عبارتی بر قسمت خالی لیوان تاکید دارند و به نقش معجزه آسای تشویق «توانستن» های دانش آموز چندان توجهی ندارد.

بجاست که همکاران ارجمند باور کنند که هر تشویقی، پاسخی است به نیاز طبیعی و روانی کودک، که دریافت آن در دانش آموز احساس ارزشمند بودن و اعتماد به نفس داشتن را به وجود می آورد و بر خلاف تنبیه که از عوامل بازدارنده است، عاملی ترغیب کننده می باشد که به انسان نیرو می دهد. وقتی کودک را مورد تشویق قرار دهیم فرصتی فراهم می شود تا کودک به توانایی، ظرفیت و ارزشمندی های خود پی ببرد و در نتیجه تصویر مثبت و ارزنده ای از خود در ذهنش ایجاد شود که بعدها شکل دهنده حرمت نفس او خواهد بود .

مثال:

* نیازمند آن است که
* درزمینه ی به تقویت نیاز داری.
* به نظر می رسد در مشکل داری.
دوم بازخورهایی که در گروه بازخوردهای مجاز قرار دارند لیکن معلم بدون توجه به جغرافیای بیان و بی آن که بررسی کند که این بازخورد قدرت و توان انگیزشی لازم را با خود همراه دارند یا خیر، به تکراری مکرر توسط معلم پیوسته در هر فعالیتی تکرار می گردد. مثلاً معلم در هر فعالیتی به دانش آموز بازخورد می دهد که:

فرشته بهشتی املا رو خوب نوشتی
فرشته بهشتی تمرین رو خوب نوشتی
و ...

سلامت، سلامت می کند

(معرفی قانون سلامت)

قانون سلامت دانشگاه فرهنگیان قانونی فعال و نهادی دانشجویی در قالب اهداف اساسنامه و با رعایت آیین نامه قانون های فرهنگی دانشجویان در نیمسال اول ۹۴/۹۵ در پردیس های استان کردستان همزمان با سایر پردیس های کشور شروع به فعالیت نمود.

در این قانون، سلامت به مفهوم جامع آن، که شامل تمام ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی است مد نظر قرار گرفته است. ما این مهم را نیز می دانیم که برخورداری از زندگی سالم حق همگانی است که مسئولیت تحقق آن بر عهده همه نهادهای و افراد جامعه است؛ به همین جهت قانون سلامت تلاش کرده تا با لحاظ نمودن اولویت ها و بهره وری منابع موجود از حداکثر ظرفیت های دانشگاه برای ارتقا سطح سلامت و آگاه سازی دانشجویان از عوامل تهدید کننده سلامت بهره گیرد.

محورهای فعالیت در جهت رسیدن به اهداف:

- ۱- بررسی و سنجش نیازهای جامعه و دانشجویان در زمینه سلامت و پیشگیری از بیماری ها.
- ۲- برگزاری همایش ها و پانل ها و کارگاه های آموزشی مرتبط با دعوت از اساتید و پزشکان متخصص.
- ۳- تهیه و انتشار پوسترها و بسته های آموزشی و تبلیغاتی و بروشورهای مرتبط.
- ۴- برقراری ارتباط با سازمان ها و مراکز عمومی در جهت پیش برد برنامه ها.
- ۵- بازدید از مراکز درمانی، بهداشتی و اجتماعی.
- ۶- تلاش برای تامین و تجهیز امکانات.

اهداف ما در یک جمله:

شناخت نیازها و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آموزش سلامت و ترویج سبک زندگی سالم با ایجاد شور و نشاط بین دانشجویان از طریق مشارکت در فعالیت ها.

اتفاق خوشایند اینکه اخیرا میان دانشگاه فرهنگیان و وزارت بهداشت و درمان ستادی راهبری تشکیل شده و از طریق انتخاباتی که میان دبیران قانون های سلامت سراسر کشور به عمل آمد، جناب آقای عزت پور که به نمایندگی از استان کردستان کاندید شدند با اکثریت آراء به عنوان نماینده ستاد راهبری و به نمایندگی از تمامی دانشجویان کشور در این ستاد منصوب شدند، از صمیم قلب برای ایشان آرزوی موفقیت داریم.

* خبرهای خوبی در راه است ..
با ما همراه باشید...

فواید ۳۰ دقیقه پیاده روی در روز

۴. کاهش خطر ابتلا به بیماری های مزمن

بررسی ها نشان داده است که پیاده روی باعث کاهش قند خون می شود و احتمال ابتلا به دیابت را کاهش می دهد. پیاده روی به صورت منظم باعث کاهش فشارخون می شود و احتمال سکته را ۲۰ تا ۴۰ درصد کاهش می دهد.

افرادی که به اندازه کافی فعالیت فیزیکی انجام می دهند ۳۰ درصد کمتر در معرض بیماری های قلبی - عروقی قرار دارند.

۵. جلوگیری از مشکل واریس

با افزایش سن احتمال واریس پا بیشتر می شود. پیاده روی از این مشکل جلوگیری می کند. سیستم وریدی در عضلات پا قرار دارد. این سیستم کمک می کند تا خون دوباره به قلب برگردد. پیاده روی این سیستم را قدرتمندتر می کند.

۶. پیاده روی سیستم گوارش را بهبود می بخشد

افرادی که جراحی معده یا روده انجام می دهند در درمان خود پیاده روی دارند؛ زیرا پیاده روی عضلات شکمی را به کار می گیرد.

۷. اهداف برای شما قابل دستیابی به نظر می رسند

هنگامی که به صورت منظم پیاده روی می کنید بیشتر فعالیت های مختلف را دنبال خواهید کرد و رفتارهای سالم شما افزایش می یابد. پیاده روی به صورت منظم در رسیدن به اهداف مختلف کمک می کند.

منا شیخله، دانشجوی علوم تربیتی

پیاده روی ورزشی آسان است که نیازمند به امکانات خاصی ندارد. با این حال فواید فیزیکی و ذهنی زیادی دارد. ۳۰ دقیقه پیاده روی در روز فواید زیادی دارد که به شرح زیر هستند:

۱. بهتر شدن وضعیت روحی

بررسی ها نشان داده است که پیاده روی سیستم عصبی را تغییر می دهد و بعد از پیاده روی احساس عصبانیت و ناراحتی کمتر می شود. اگر پیاده روی را همراه با فرد دیگری انجام دهید احساس بهتری خواهید داشت. پیاده روی در فضای باز از ابتلا به اختلالات فصلی جلوگیری می کند.

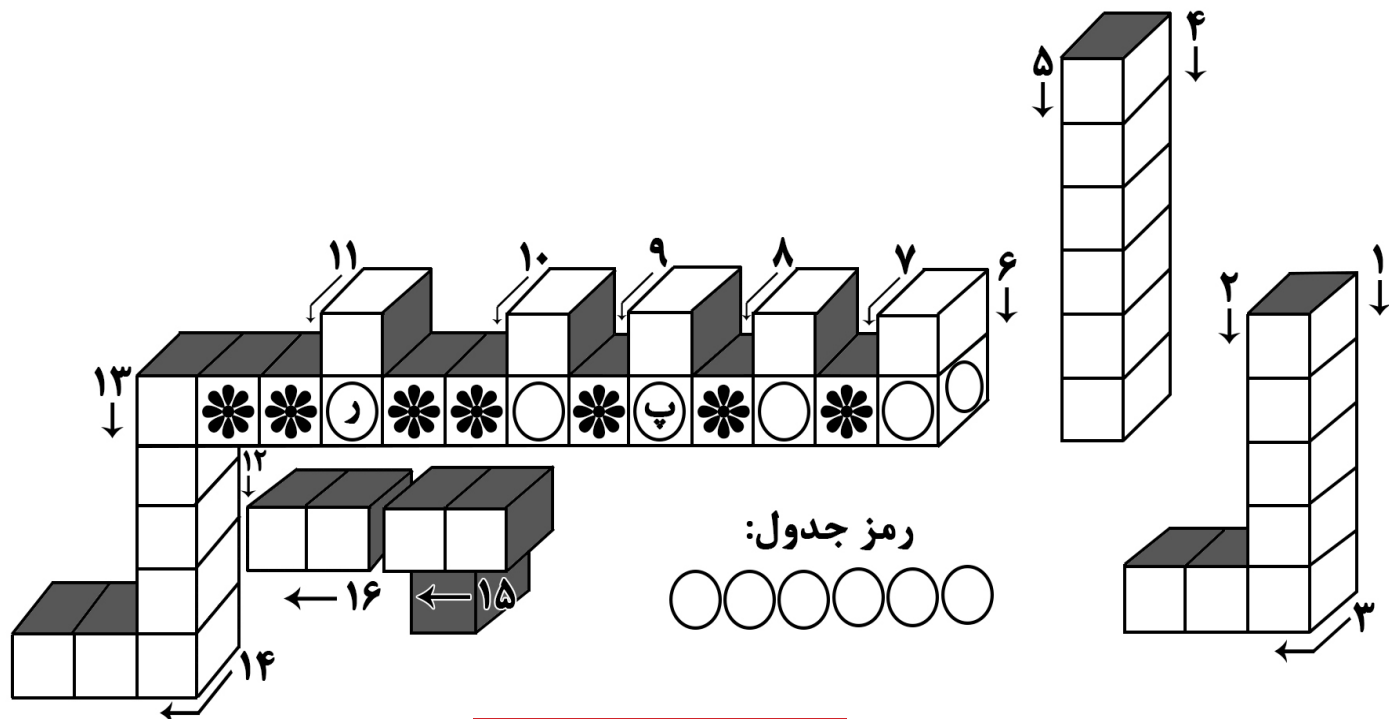
۲. افزایش خلاقیت

اگر با مسئله یا مشکل خاصی دست و پنجه نرم می کنید و نیاز به تفکر برای رسیدن به راه حل خاصی دارید، می توانید پیاده روی کنید. این کار خلاقیت شما را برای حل مشکلات افزایش می دهد.

۳. کم کردن سایز

پیاده روی به صورت منظم باعث کاهش سایز می شود. ممکن است حتی کاهش وزن نداشته باشید اما سایز شما تغییر کند. علت این موضوع، افزایش حساسیت به انسولین است که باعث کاهش چربی های شکمی می شود. پیاده روی روزانه سوخت و ساز بدن را افزایش می دهد، از کاهش حجم عضلات جلوگیری می کند و کالری سوز است. پیاده روی به جای استفاده از ماشین و وسایل نقلیه نیز می تواند موثر باشد.





رمز جدول:



سوالات

- ۱- معادل فارسی فاکس
- ۲- توشه
- ۳- پیشوا
- ۴- مادر حضرت موسی
- ۵- نام قدیمی مشهد
- ۶- باب
- ۷- صوت
- ۸- سوره ی مردم
- ۹- نوعی موسیقی
- ۱۰- برزن
- ۱۱- سیاره ی عطارد
- ۱۲- مادر کردی
- ۱۳- وسیله کشش
- ۱۴- خالق ادیسه
- ۱۵- سفید ترکی
- ۱۶- کافی



طراح جدول: نرگس مرادی (دانشجوی علوم تربیتی)

معمای رنگ ها

5	3	8
6	7	9
4	1	2

تهیه و تنظیم: شهاب نصیری نیا (دانشجوی علوم تربیتی)

با توجه به راهنمایی های زیر مشخص کنید که هر رنگ در کدام خانه از جدول قرار دارد؟

راهنمایی ها:

- (۱) زرد و نارنجی مجاورند، در حالی که قرمز و مشکی مجاور نیستند.
- (۲) خانه شماره ۳ یکی از رنگ های مقابل است: سفید، سبز، آبی، قرمز، خانه ۵ سفید و بنفش نیست.
- (۳) بنفش و نارنجی در یک ستون هستند در حالی که زرد و مشکی همانند سبز و آبی در یک ستون نیستند.
- (۴) شماره خانه های سفید و صورتی متوالی است ولی خانه ها مجاور نیستند.
- (۵) اختلاف شماره خانه های قرمز و زرد کمتر از ۳ است. اختلاف شماره خانه های سفید و آبی بیشتر از ۳ نیست. همچنین اختلاف شماره خانه های قرمز و آبی بیشتر از ۲ است.
- (۶) سبز که در مجاورت صورتی است در خانه ای با شماره فرد قرار گرفته. قرمز و زرد در یک ردیف قرار ندارند.
- (۷) شماره خانه با رنگ آبی از سبز بیشتر است.



بسم الله الرحمن الرحيم

رسول اکرم (ص) فرموده اند: «رجب

ماه بزرگ خداست و هیچ ماهی در حرمت و فضیلت به پای آن نمی رسد و قاتل با کافران در این ماه حرام است، آگاه باشید که رجب ماه پروردگار است و شعبان ماه من و ماه رمضان ماه امت من است و اگر کسی در ماه رجب حتی یک روز روزه بدارد خدا را از خود خشنود ساخته و خشم الهی از او دور می گردد».

ماه رجب، به دلیل برخورداری از مزایای گوناگون و توجه به ابعاد معنوی آن، نام‌های دیگری نیز دارد؛ نام‌هایی مثل ماه آمرزش خواهی (شهر الاستغفار)؛ ماه تک (رَجَبُ الْفَرْد) به دلیل تنها واقع شدن و جدا شدن آن از سایر ماه‌های حرام؛ سرشار (رَجَبُ الْأَصَب) به دلیل نزول سرشار رحمت الهی؛ ریسمان الهی و اَصَم یعنی برخورداری از فضیلت‌های بسیار.

فرا رسیدن این ماه، نعمت بزرگی است که باید از آن بهره فراوان ببریم و نگذاریم شب‌ها و روزهایش، با غفلت سپری شود. عبادت و نیایش، نماز و روزه، دعا و صلوات و سرانجام به یاد خدا بودن و تذکر در این ماه خجسته، لذتی دیگر دارد، همین بس که اگر یک روز از این ماه را با خلوص نیت و با توجه قلب روزه بگیریم، مستوجب رضوان بزرگ الهی خواهیم شد.

در ماه رجب اعمالی وارد شده است. یکی از اعمالی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی احیاء گردید، سنت مبارک اعتکاف است. این سنت، در طول تاریخ اسلام و ادیان آسمانی طرفداران و عاملانی داشته و در بلاد اسلامی به طور عموم و در دانشگاه‌ها به طور خاص مورد توجه بوده است.

از آن جا که اشتغال انسان به کار و زندگی و مسئولیت‌های اجتماعی، گاهی موجب غفلت می‌شود و از توجه به هدف باز می‌دارد، سبب می‌شود وظیفه بزرگ، یاد خدا و توجه به خود سازی و مبدا و منتهای هستی فراموش شود. اعتکاف، آب حیات بخش در کویر این غفلت‌هاست.

اعتکاف پرورش جسم و جان است، انسان آمیزه‌ای است از این دو و نیازمند پرورش در ابعاد وجودی خود؛ انسان به دنبال سعادت و کمال است،



روح انسان نیازمند نیایش است، مناجاتی شیرین و زیبا، هم کلامی موجودی ضعیف با منشأ قدرتها، از آغاز خلقت تا صحنه رستاخیز، راز و نیاز زیباترین هنر آدمی است.

رسول خدا افزون بر اهتمام عملی نسبت به اعتکاف، با بیان فضایل و پاداش بزرگ آن، مؤمنان را به انجام این عمل تشویق می نمودند. در حدیثی از آن حضرت آمده است:

«اعتکاف عشر فی شهر رمضان تعدل حجتین و عمرتین؛ یک دهه اعتکاف در ماه رمضان همچون دو حج و دو عمره است.»

گرچه این حدیث ناظر به اعتکاف به مدت ده روز و در ماه مبارک رمضان است، ولی اعتکاف در کمتر از این مدت (به شرط آن که از سه روز کم تر نباشد) در غیر ماه مبارک رمضان مخصوصاً «ایام البیض» به اندازه خود فضیلت و ثواب دارد.

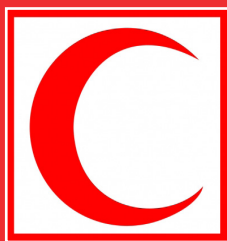
رهبر معظم انقلاب در بیاناتی اعتکاف را مورد توجه قرار

داده و در توصیه هایی به معتکفان می فرماید:

«توصیه‌ی من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه‌ی این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفستان مقدم بدارید؛ تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز می‌تواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که این‌جا نشست‌ایم و با غبطه نگاه می‌کنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند. با عمل خودتان به ما هم یاد بدهید.»

و از آنجا که دانشجو معلمان محترم دانشگاه فرهنگیان خود تربیت کننده نسل آینده هستند به نظر بنده در این مراسم باید متمایز با دیگر دانشجویان باشند و از این فضا برای لطافت بخشیدن به روح و روان خود استفاده کنند. لذا انشاء الله با حضور در این مراسم نشان دهنده معنویت بالای حاکم بر این دانشگاه خواهند بود.

حجت الاسلام والمسلمین قریانی
مسئول نهاد رهبری



آنچه که بهتر است معلمان بدانند و در مواجهه با شرایط مختلف درست عمل کنند.

استخوان به درون پوست تلاش نکنید. برای اینکه زخم خشک نشود بهتر است از یک پانسمان مرطوب استفاده کنید.

۵- به دنبال جا انداختن مفصل نباشید.

۶- نگذارید مصدوم بلند شود و راه برود.

۷- شکستگی های شدید را آتل بندی کنید برای آتل می توانید از هر جسم ثابت در دسترس استفاده کنید تا از درد و عوارض بعدی پیشگیری کنید.

ک کمک های اولیه در خفگی بر اثر جسم خارجی

گیر کردن یک جسم خارجی در گلو و بسته شدن راه هوایی می تواند به قطع تنفس و بیهوشی منجر شود و طی ۴ تا ۶ دقیقه به مرگ مصدوم بینجامد. رایج ترین نشانه های خفگی عبارتند از:



گرفتن گلو با یک یا دو دست، دشواری تکلم و تنفس همراه با نفس های منقطع و صدادار در این مواقع شما باید به سرعت وارد عمل شوید ولی هرگز نباید به پشت مصدوم ضربه بزنید چرا که این کار وضعیت مصدوم را بدتر می کند. اگر مصدوم می تواند حرف بزند: سرفه کند یا نفس بکشد اصلاً دخالت نکنید سرفه به تنهایی قادر است جسم خارجی را از گلو خارج کند اگر نشانه های خفگی ادامه پیدا کرد از پزشک کمک بخواهید.

ک کمک های اولیه از زخم های خارجی و کنترل خونریزی

۱- با به کارگیری فشار روی زخم و بالا نگه داشتن قسمت آسیب دیده مانع از دست رفتن خون شوید.
۲- برای کاهش احتمال بروز شوک (که می تواند در اثر خونریزی شدید ایجاد گردد) اقدامات لازم را به عمل آورید.
۳- سطح هرگونه زخم باز را برای جلوگیری از عفونت و تسریع در بهبودی بپوشانید.
۴- توجه کافی به رعایت بهداشت داشته باشید تا اینکه هیچ گونه تبادل عفونتی بین شما و مصدوم ایجاد نشود و در صورت امکان از دستکش های یکبار مصرف و یا استریل استفاده کنید.

نرگس مرادی، دانشجوی علوم تربیتی

ک کمک های اولیه در خونریزی از بینی



۱- مصدوم را کمی متمایل به جلو بنشانید تا خون وارد گلویش نشود. از او بخواهید اگر طعم خون را در دهانش حس کرد تف کند.

۲- با فشار دو انگشت (شست و اشاره) بینی مصدوم را از دو طرف بگیرید اگر او خودش می تواند این کار را انجام بدهد یک کمپرس سرد تهیه کنید و روی بینی و اطراف آن بگذارید.

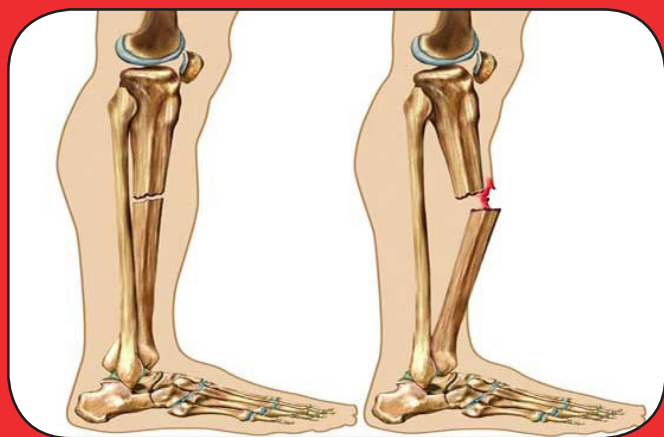
۳- فشار روی بینی را برای مدت ده دقیقه بدون وقفه ادامه دهید.

۴- اگر فشار موثر نبود یک تکه گاز استریل یا پارچه تمیز در سوراخ بینی فرو کنید، حتماً انتهای گاز استریل یا پارچه را بیرون بگذارید تا بعداً بتوانید به راحتی آن را از بینی مصدوم خارج کنید؛ بهتر است بینی پر شده را نیز ۵ دقیقه با دو انگشت فشار دهید.

۵- بعد از قطع خونریزی از بینی، تا چند ساعت از فین کردن و دستکاری بینی پرهیز کنید.

ک کمک های اولیه در شکستگی استخوان

اگر شک دارید که پای مصدوم شکسته یا نه، او را حرکت ندهید مگر اینکه خطری جاننش را تهدید کند، سپس کارهای زیر را انجام دهید:



۱- وضعیت تنفسی مصدوم را بررسی کنید اگر مصدوم نفس نمی کشید یا تنفس ضعیفی داشت، به او تنفس دهان به دهان بدهید.

۲- اگر مصدوم دچار خونریزی مشهود بود فشار مستقیمی روی موضع خونریزی وارد کنید.

۳- مصدوم را گرم و آرام نگه دارید.

۴- اگر استخوان از پوست بیرون زده اصلاً برای بازگرداندن

ارزشیابی کیفی - توصیفی



ابراهیم کریم زاده

کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و استاد دانشگاه فرهنگیان

جهان هر لحظه نو می شود و آفریدگار هستی، هر روز در کاری تازه است. کاروان پدیده های نو که هر دم به تبسمی گام در گستره ی هستی می نهند، پیام آور این نکته اند که ما نیز باید چنین باشیم. هر لحظه ی خود را بیفزاییم، با نگاهی تازه به جهان بنگریم و با روش و دانشی نو، راه بسپاریم و ره بکشاییم.

- * تحمیل اضطراب نامطلوب به دانش آموزان.
- * افزایش تکرار پایه ی تحصیلی و هدف شدن امتحان به جای یادگیری.
- * کم توجهی به بهداشت روانی محیط یاددهی و یادگیری.
- * کم توجهی به پرورش خلاقیت و روحیه ی پرسشگری.



- * حاکمیت امتحانات پایانی و کمی گرایی افراطی.
- * حافظه محوری به جای فهم محوری.

ارزشیابی کیفی - توصیفی

با طرح و ظهور نظریه های جدید در زمینه ی یادگیری و ردّ برخی مبانی نظریه های گذشته (نظریه ی رفتارگرایان)، ایده های جدیدی در حوزه ی ارزشیابی شکل گرفت. تفکرات جدید در خصوص یادگیری، عمدتاً تحت تأثیر افکار جان دیویی و روان شناسان گشتالتی، پیاز، برونر و ویگوتسکی شکل گرفته است. ارزشیابی کیفی - توصیفی به عنوان یک رویکرد تازه و متناسب با زمان و البته در ادامه منطقی مبانی سنجش و اندازه گیری، در دهه هشتاد خورشیدی در نظام آموزشی ایران، مطرح گردید. بسیاری معتقدند ارزشیابی کیفی - توصیفی به دلیل فراهم ساختن

روش تفکر علمی را به آنها بیاموزد. * فراگیران را هنرمند بار بیاورد و ابتکار عمل را در آنها زنده کند. * آنان را با نقش جنسیشان آشنا نموده و برای ایفای نقش های آتی توانمند سازد. * روش دعا کردن و نیایش با خالق هستی را به آنها بیاموزد. * به آنان شخصیت داده و اعتماد به نفسشان را ارتقا دهد. * به دانش آموزان آموزش دهد که انسان ها هیچ فرقی با هم ندارند مگر در تقوا و نزدیکی به خدا.

ولی:

به آنها نمره ی بیست نمی داد گویی که هیچ یاد نداده است. از طرفی اولیای دانش آموزان به جای این که بدانند فرزندان شان چه چیزی یاد گرفته اند، می خواستند بدانند که چه نمره ای کسب کرده اند. در واقع نمره ی بیست را معادل تمامی آموزش هایی می دانستند که فرزندان آنها می بایست در طول زندگی بیاموزند. نمره ی بیست تنها ملاکی بود که معلومات افراد را می سنجید و مشخص می کرد افراد چه قدر اطلاعات داشتند، نه این که چه قدر می دانستند، می توانستند، عمل می کردند و یا باور داشتند. به راستی اگر اخذ نمره ی بیست نشانگر آن بود که فراگیران در یک موضوع درسی هیچ گونه ضعفی نداشته و یادگیری در آنها به خوبی صورت گرفته، پس چرا شاهد وجود دانش آموزانی بودیم که نمره های عالی کسب کرده ولی از انجام بسیاری از مهارت های پایه و ابتدایی عاجز و ناتوان بودند؟!

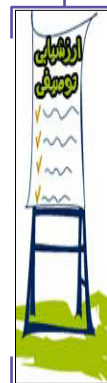
آسیب ها و کاستی های موجود در نظام ارزشیابی تحصیلی (کمی)

در خصوص آسیب ها و کاستی های موجود در نظام ارزشیابی کمی مختصراً می توان به موارد زیر اشاره کرد: * کم توجهی به حیطه های مختلف یادگیری.

سیر تحول نظام ارزشیابی از سیستم کمی (نمره ای) به سیستم کیفی - توصیفی

براساس دیدگاه ها و اندیشه های رفتارگرایانی همچون ثوراندایک، هال، اسکینر و گانیه، یادگیری در اثر ارتباط بین محرک و پاسخ صورت می گیرد. تحت تأثیر دیدگاه های این اندیشمندان، برنامه ی درسی خاصی که به صورت گام به گام تهیه شده و اهداف یادگیری آن دارای توالی منظمی بود، مورد توجه قرار گرفت که در آن اهداف یادگیری می بایست به صورت رفتاری بیان شوند تا به شیوه ی عینی قابل اندازه گیری باشند. در طول سالیان دراز (حدود ۸۴ سال) در کشور ما برای ارزشیابی بر اساس دیدگاه رفتارگرایان، از مقیاس فاصله ای (نمره ۰-۲۰) استفاده شده و معلمان نتایج آزمون ها را براساس آن (معیار) به دانش آموزان و والدین آنان بازخورد داده اند. این شکل از بازخورد به دلیل ابهام در تفسیر آن، تصویر نسبتاً دقیقی از وضعیت یادگیری دانش آموز ارائه نمی داد. در این نظام ارزشیابی، آن قدر بر کسب نمره تأکید می شد که بسیاری از اهداف به فراموشی سپرده شده بودند. نمره ی ۲۰ رؤیای شبانه روزی و تنها ملاک آشکاری برای اولیا بود که مطمئن شوند فرزندان شان در آینده موفق خواهند شد. به طوری که اگر مدرسه ای می خواست: * بهترین فعالیت های تربیتی از جمله بازی های گروهی و دسته جمعی را تشویق کند.

* مهارت های اجتماعی و زندگی کردن درست را به بچه ها بیاموزد. * روح دانش آموزان را جلا بخشد. * به آنها نحوه ی تصمیم گیری صحیح را یاد بدهد. * به آنان بیاموزد که به سایر انسان ها احترام بگذارند. * برای آنها امکان یادگیری مادام العمر را مهیا سازد. * بچه ها را با علوم مختلف آشنا کند و



نوع روش تدریس معلم در کلاس درس، ارتباط مستقیم داشته و لازمه ی اجرای درست و بهینه ی آن، آشنایی معلمان با شیوه های نوین تدریس و استفاده از آن ها در فرایند آموزش مفاهیم و موضوعات درسی است. همان گونه که به کارگیری روش های مختلف تدریس و مشارکت فعال دانش آموزان در فرایند آموزش سبب بهبود کیفیت یادگیری

فراگیران می شود هر اندازه در ارزشیابی نیز از روش ها و ابزارهای متعدّد استفاده شود فضای کلاس شاداب تر، مشارکت و انگیزه ی دانش آموزان برای یادگیری بیشتر، مشکلات کمبود زمان معلمان در کلاس ها کم تر و تحقق اهداف بیشتر خواهد شد.

نتایج بیش از یکصد پژوهش و شواهد علمی - تجربی صورت گرفته، بیانگر این مهم هستند که با اجرای ارزشیابی کیفی - توصیفی به عنوان یک گام عملی، تحولی در آموزش و پرورش دوره ابتدایی صورت گرفته است که کمتر شاهد دانش آموزانی که قربانی شیوه های ارزشیابی سنتی و پدیده تأسف بار

بیست گرایی می شدند، مواجه شویم دانش آموزانی که همیشه با اضطراب، نبود امنیت خاطر، نداشتن اعتماد به نفس، نداشتن تمرکز، گوشه گیری، افسردگی، بی قراری، عصبانیت و پرخاشگری دست به گریبان بودند و از اهداف اصلی تعلیم و تربیت به دور می ماندند. لازمه ی دست یابی به چنین فضا و شرایطی، وجود پشتیبانی های به هنگام نظام آموزشی بوده و هست.

منابع

قره داغی، بهمن (۱۳۹۴)، صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری. ص ۹۰، انتشارات زنده اندیشان
کریم زاده، ابراهیم (۱۳۹۳)، جایگاه ارزشیابی در نظام آموزش و پرورش، ارزشیابی در خدمت آموزش یا ...، انتشارات کالج سنندج.

و علایق دانش آموزان با تکیه بر استعداد های برتر هر یک از آن ها
* ایجاد زمینه مناسب برای تقویت خلاقیت و نوآوری و ایجاد مهارت خود ارزیابی در دانش آموزان
* آگاه ساختن دانش آموز و اولیا از فرآیند پیشرفت تحصیلی و تربیتی و جلب مشارکت آنان در بهبود عملکرد دانش آموز



* تولید اطلاعات برای ارزیابی، تحصیل، اصلاح و تقویت روش ها

اصول حاکم بر ارزشیابی توصیفی

* جدایی ناپذیری ارزشیابی از فرایند یاددهی - یادگیری
* استفاده از نتایج ارزشیابی در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری و اصلاح روش ها
* توجه به رشد همه جانبه دانش آموزان

* توجه همه جانبه به دانش، نگرش و مهارت
* توجه به ارزشیابی دانش آموز از یادگیری های خود (خود ارزشیابی)
* تأکید بر نوآوری و خلاقیت
* استقلال مدرسه و معلم در فرایند ارزشیابی

کلام آخر

نکته مهم و قابل توجه این که، اجرای ارزشیابی نوین (کیفی - توصیفی) با

بازخورد در مراحل مختلف آموزش سبب پیشرفت تحصیلی، بهبود و معنادار کردن یادگیری و خلاقیت می شود. ارزشیابی توصیفی، الگویی کیفی است که تلاش می کند به عمق و کیفیت یادگیری همه جانبه ی دانش آموزان توجه کرده و توصیفی از وضعیت یادگیری آن ها ارائه دهد که موجب اصلاح، بهبود و توسعه ی دانش، نگرش و مهارت های دانش آموزان

شود. ارزشیابی کیفی

- توصیفی تلاش دارد که پاسخگوی برخی از نقدها و کاستی های نظام ارزشیابی قبلی (کمی) باشد. یکی از اهداف و شعارهای اصلی الگوی ارزشیابی کیفی - توصیفی «آرامش خاطر مسافر سفر یادگیری است» این الگو از این جهت می تواند در راستای فراهم نمودن محیطی خالی از فشار و استرس مؤثر باشد.

ارزشیابی کیفی - توصیفی، شیوه ای از ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی است که اطلاعات لازم، معتبر و مستند

را برای شناخت دقیق و همه جانبه ی فراگیران در ابعاد مختلف یادگیری، با استفاده از روش ها و ابزارهای مناسب سنجش، همانند آزمون ها (به ویژه آزمون های عملکردی)، پوشه کار، مشاهدات در حول فرایند یاددهی - یادگیری (یادگیری)، فراهم می نماید تا بر اساس تحلیل ها، بازخوردهای کیفی مورد نیاز برای کمک به یادگیری بهتر، در فضای روانی - عاطفی بهتر و در جهت رسیدن به سطحی از شایستگی، ارائه گردد. (قره داغی، بهمن ۱۳۹۴).

اهداف نهایی ارزشیابی کیفی - توصیفی

* اصلاح، بهبود و ارتقای فرایند یاددهی - یادگیری در کلاس
* افزایش تعامل موثر و سازنده بین معلم و دانش آموزان
* شناسایی و پرورش استعداد ها، توانایی ها



نشان ویژه

همه چیز در باره ی ادامه تحصیل معلمان
از زبان مدیر کل آموزش و پرورش استان کردستان
رشید قربانی

تهیه و تنظیم: شراهِ صادق - یگانه نصیری هانیس
دانشجویان علوم تربیتی

با عرض سلام خدمت جناب قربانی.

با سلام و آرزوی توفیق روزافزون برای شما دانشجومعلمان عزیز.

بنا به گفته ها، چند سالی برای معلمان ممنوعیت از تحصیل وجود دارد. این موضوع تا چه اندازه صحت دارد؟

ممنوعیت از تحصیل به این صورت است که باید مدتی از خدمت معلم بگذرد و به این صورت نباشد که شغل خود را رها کرده و به ادامه تحصیل پردازد؛ چرا که معلمان بر اساس نیاز و با برنامه ریزی وارد آموزش و پرورش می شوند.

این ممنوعیت از تحصیل چند سال ادامه خواهد داشت؟

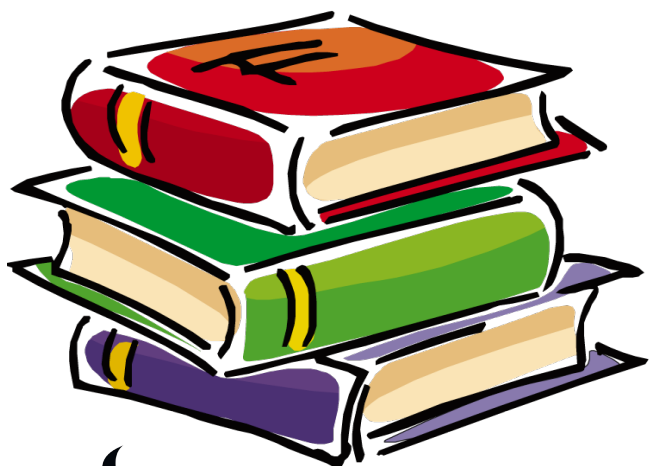
به صورت قانونی و بنابر احکام حداقل پنج سال اول اما حداقل دو سال اول به هیچ وجه ادامه تحصیل وجود ندارد. به طور کلی تا وقتی که به وجود شما در آموزش و پرورش

از نظر شما ادامه تحصیل برای یک معلم تا چه اندازه ضرورت دارد؟

قطعاً ادامه تحصیل برای یک معلم ضرورت دارد؛ اگر چه امروزه ادامه تحصیل برای تمامی افراد اهمیت ویژه پیدا کرده ولی یک معلم حرفه ای حتماً باید ادامه تحصیل داشته باشد تا بتواند به روز و کار آمد باشد. تحصیل برای یک معلم هم به صورت دوره های آموزشی کوتاه مدت و هم در صورت امکان در مقاطع بالاتر تحصیلی می باشد اما در مورد ادامه تحصیل یک موضوع را باید در نظر گرفت.

چه موضوعی؟

این که وقتی آموزش و پرورش از ادامه تحصیل شما در مقاطع بالاتر استقبال می کند که شما در رشته های مرتبط ادامه تحصیل داشته باشید چرا که در غیر این صورت برنامه های آموزش و پرورش به هم می خورد بنابراین ادامه تحصیل باید در رشته های مرتبط و نزدیک به رشته ی معلم باشد.





نیاز باشد اجازه ترک کار به شما داده نخواهد شد.

اگر معلمی بدون کسب مجوز از آموزش و پرورش ادامه تحصیل دهد آیا در احکام آنها لحاظ می شود؟

بدون موافقت و کسب مجوز از آموزش و پرورش ادامه تحصیل در احکام معلمان لحاظ نمی شود. برای خود احکام نیز یک قانون جدید در راه است.

چه قانونی؟

اینکه معلمان حداکثر اجازه خواهند داشت یک مقطع بالاتر از مقطع خود ادامه تحصیل دهند و در صورت تصویب این قانون فقط این مدرک و با اجازه آموزش و پرورش در احکام تاثیر داده می شود.

آیا امکان تغییر مقطع برای معلمان وجود دارد؟

در صورت ارائه مجوز برای ادامه تحصیل معلم می تواند بعداً در تغییر دوره ها با کسب اجازه از آموزش و پرورش شرکت کرده و تغییر مقطع دهد اما در غیر این صورت نه.

معلمان می توانند در خارج از کشور هم ادامه تحصیل دهند؟

به نظر من ضرورتی ندارند.

اگر معلمی بنا بر علاقه و یا رشته ی تحصیلی مورد نظر در خارج از کشور ادامه تحصیل دهد، امکان پذیر خواهد بود؟

بله امکانش وجود دارد اما نه به صورت مامور به تحصیل بلکه اگر بخواهد می تواند مرخصی بدون حقوق بگیرد و بعد از اتمام دوره ی تحصیل خود و پایان یافتن مرخصی به کشور بازگشته و شغل خود را ادامه دهد اما

این مرخصی جز خدمت او محسوب نمی شود.

آیا دانشگاه فرهنگیان در سال های اخیر مقطع کارشناسی ارشد را خواهد داشت؟

این امر ممکن است اما نیاز به یک برنامه ریزی دقیق و ظریف دارد و این که از بازده آن اطمینان حاصل شود اما آنچه که فعلاً مد نظر است آماده کردن دانشجو معلمان برای ورود به عرصه ی تعلیم و تربیت است که بر اساس نیاز وارد این عرصه شده اند.

تا چه زمانی امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در دانشگاه فرهنگیان وجود دارد؟

حداقل تا دو سال دیگر ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر امکان پذیر نخواهد بود.

خاطره ای آقای قربانی از جنس فکرهای یک دانشجو معلم؟

دانشجو بودم که جناب آقای فانی برای بازدید به دیدار دانشجوها آمدن بعد از گفت و گوهای مقدماتی و همیشگی از دانشجوها سوال کردند که واژه ی فرهنگ را تعریف کنید. دانشجوی زرنگی بودم و بلافاصله دستم را به نشانه اجازه بلند کردم و واژه ی فرهنگ

را تعریف کردم و مورد تشویقشان قرار گرفتم. بی درنگ پرسیدم یعنی من باید همیشه معلم بمانم و در روستاها تدریس کنم در پاسخ گفتند: مگر معلمی بد است؟! من هم معلم هستم. باز هم گفتم شما معلم نیستید بلکه مدیر کل هستید با لبخندی جواب دادند مدیر کل هم معلم است. شما هم یک روزی مدیر کل می شوید فقط باید تلاش کنید. بعد از گذشت سال ها، سال پیش در یک مراسم شرکت کرده بودیم که این خاطره را برایشان یادآوری کردم. هدف من از تعریف این خاطره این بود که آنچه هدف شماست و در فکر شما می گذرد قطعاً روزی به واقعیت تبدیل می شود.

پیام شما برای دانشجو معلمان؟

معلمی یک شغل مقدس و ارزشمند است و از آنان می خواهیم با اتکا به خداوند کارشان را ادامه دهند و اگر دانشجو معلمان اراده ای برای تغییر موقعیت شغلی و کاری خود دارند می توانند با همت والا و اتکا به خداوند عظیم به هدف خود برسند و هیچ بخش نامه و دستور العملی نمی تواند مانع پیشرفت آنان شود و هر آنچه گفته شد روال عادی کار است و جای پیشرفت برای همه معلم ها وجود دارد.

علل دروغ گویی و روش های پیش گیری از نظر روان شناسان

فرانک قدسی

کارشناسی ارشد روان شناسی و
سرپرست پردیس بنت الهدی صدر سندج



یا اینکه ((از دروغ بپرهیزید که دروغ از درهای جهنم است.)) ملا احمد نراقی معلم بزرگ اخلاق می گوید: ((از جمله اسباب رسوایی دروغگو آن است که خدای تعالی فراموشی را به او مسلط ساخته و به این جهت دروغی را که گفته فراموش می کند و خلاف آن را می گویند و رسوا می شود.))

((آلفرد آدلر روانشناس معروف این عقیده را دارد که در انسان ها یک علاقه و اشتیاق ذاتی برای پیوند با دیگران وجود دارد. این فرایند در روابط اولیه ی مادر و فرزند ظاهر می شود و بعد ها در روابط کودک و دیگران، همانند شدن او با اعضای گروه و همدردی با دیگران جلوه گر می شود. احتیاج به محبت یک حس ذاتی بشری است که در تکوین شخصیت هر فرد موثر است، اختلالات عاطفی سبب بروز اختلال منش و انواع انحرافات می شود و در چندین نسل اثر می گذارد. در مورد علت دروغ گویی در حقیقت در پس همه ی مشکلات عاطفی، چه نتیجه ی آن ((روان پریشی)) ((روان نژندی)) نایسامانی ((روان تنی)) و یا رفتار ضد اجتماعی و مجرمانه باشد، همیشه به درجات مختلف محرومیت زمان کودکی وجود دارد. موریس دوبس در تعریف دروغ می گوید: ((دروغ عبارت است از یک عمل روانی - اجتماعی)) مانند یک قصد تلقین - شفاهی یا غیرشفاهی - است که بدان وسیله فرد سعی می کند فریبی را در ذهن دیگران وارد کنند، با این میل که این شخص آن فریب را حقیقی انگارد. ژان پیازه روانشناس بزرگ می گوید: مکانیسم احترام یک جهته، این قانون رفتار را که حقیقت گویی است می پذیرد و قبول می کند. او به علت عادت بازی و تخیل و به علت روش فی البداهه تفکرش که

یکی از بلایایی که باعث می شود اصول اخلاقی در جامعه بی ارزش شده و افراد درصدد آن برآیند که با فریفتن یکدیگر به مطامع مورد نظر خویش برسند، دروغ و دروغ گویی است. بر اساس اعتقاد بر اصل تکوین شخصیت در دوران کودکی، می دانیم که اگر کودکی دروغ و دروغ گویی را تجربه کند، این عمل به صورت یادگیری و عادت در او تثبیت می گردد و از او شخصیتی می سازد که در آینده وی را به بزهکاری سوق می دهد.

دروغ از جمله گناهان کبیره و بلکه قبیح ترین گناهان و خبیث ترین آنها است، صنعتی است که آدمی را در دیده ها خوار و در نظر ها بی اعتبار می سازد و سرمایه ی خجالت و باعث دل شکستگی و ملال، سبب و اساس ریختن آبرو در نزد خلق خدا و باعث سیاه رویی دنیا و عقبی است و آیات در مذمت این صفت بسیار و اخبار در نکوهش آن بی شمار است. خداوند کریم می فرماید: ((جز این نیست که به دروغ افترا می بندند کسانی که ایمان به خدا ندارند.)) در سوره حج آیه ی ۳۰ می فرماید: ((و نیز از قول باطل دوروی گزینید.)) در نهج الفصاحه ۳۸ حدیث در مورد دروغ و ۹ حدیث در مورد دروغ گویی وارد شده است. دروغ گفتن شایسته زبان نیست و کاذبان در محضر الهی ملعونند. گواهی دادن به دروغ از جمله گناهان بسیار بزرگ به شمار می آید و بندگان پروردگار رحمان به حکم آیه ی ۷۲ از سوره فرقان به دروغ شهادت نمی دهند.

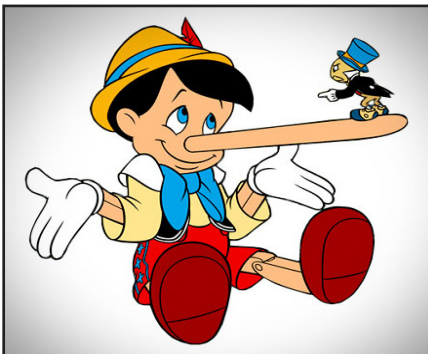
پیامبر اکرم (ص) فرمود:

((هرگاه مومنی بدون عذر شرعی دروغ بگوید هفتاد هزار فرشته بر او لعنت می کنند.))

حضرت علی (ع) فرمود:

((بنده مزه ی ایمان را نمی یابد تا دروغ را ترک کند، خواه دروغ از روی شوخی و هزل باشد یا از جد.))

چیزی را بدون دلیل پذیرفته و واقعیت خارج را بدون توجه به عینیات، در قالب شخصی هضم و جذب می کند، تمایل دارد به حقیقت تغییر شکل داده و آن را با خواسته هایش وفق دهد. از همین رو اتفاق می افتد که حقیقتی را، بدون اینکه خود توجه داشته باشد عوض می کند و این همان مطلبی است که به عنوان دروغ های ظاهری کودک شناخته شده است. تشخیص بعضی از مریبان علوم پرورشی در مورد علل نادرستی کودکان این است که کودک



وقتی اجازه ی بیان حقیقت را نداشته باشد به دروغ گویی می پردازد؛ کودکی که اگر به مادرش بگوید از برادرش بیزار است، مادر او را تنبیه می کند و به دروغ متوسل می شود. کودک از چنین تجربه ای نتیجه می گیرد که راستگویی باعث زحمت و برعکس دروغگویی سودمند است و مادرش دروغ های کوچک را دوست دارد! در مورد تاثیر خانواده در بزهکاری (دروغگویی و ...) کودک، تمام پژوهش





طراح: بشری احمدوند (دانشجوی علوم تربیتی)

توصیه هایی در پیش گیری از دروغ گویی:

- ۱- نشان دادن ارزش راستی
- ۲- ارائه الگوهای صداقت
- ۳- مجازات غیر متناسب نکنیم
- ۴- پرهیز کردن از سوال پیچ نمودن کودک
- ۵- خود داری از تهدیدهای غیر منطقی
- ۶- تطبیق انتظارات با توان کودک
- ۷- عدم انتساب افعال بد کودک به غیر
- ۸- موعظه
- ۹- بخشیدن کودک
- ۱۰- هم دردی با کودک
- ۱۱- سکوت
- ۱۲- اخطار
- ۱۳- فرق گذاشتن بین پندار و واقعیت کودک
- ۱۴- پیدا کردن منشاء دروغ گویی
- ۱۵- ایجاد احساس مسئولیت در کودکان
- به عنوان راه های موفقیت آمیز
- ۱۶- رفتار و کردار و گفتار خود را هماهنگ و همانند کنید.

دروغ ها را به چهار دسته تقسیم می کنند:

- ۱- دروغ هایی که دارای هدف مشخص می باشد ((اغلب خود خواهانه))
- ۲- دروغ های غریزی ((به جای یک پاسخ حقیقی، کودک به طور غریزی و به قصد محافظه کارانه، شرم و ... جواب دروغ آمیز می دهد که دارای هدفی معین است.))
- ۳- دروغ های خیالی ((که بیشتر قابل قبول است.))
- ۴- دروغ های قراردادی ((که به منظور رفتار متناسب با عادت است.))

به طور خلاصه دروغ گویی دارای علل زیر است:

- ۱- اجتناب از ناراحتی و دردسر و تحقیق
- ۲- به خاطر جاه و مقام و جبران احساس حقارت
- ۳- فریب دادن دیگران جهت نفع شخصی
- ۴- جلب توجه دیگران
- ۵- گول زدن دیگران بر اساس تخیل و عشق به داستان سرایی که بیشتر در کودکان رایج است.
- ۶- انتقام جویی

گران، بزهکاری را به غفلت خانواده در مورد کودک و یا طرد کردن او نسبت می دهند. تنها اندرز خانواده و آنچه کودک می گویند نیست، که در او تاثیر می کند، آنچه انجام میدهد به مراتب تاثیرش در ذهن کودک بیشتر است. خانم ماریا مونته سوری در مورد دروغ گویی می گوید: کاربرد زور و تحمیل کارهایی که مطابق میل کودک نباشد، موجب عصبانیت کودک می گردد و چون قدرت مقابله با بزرگترها را ندارد واکنش هایی از جمله دروغگویی، ترس، خجالت و گوشه گیری را نشان می دهد. علت دیگری که امکان دارد کودک به دروغ گویی روی آورد، بی تفاوتی محیط پرورشی او نسبت به دروغ گویی و راست گویی است. کودک وقتی از اولیا و مربیان خود هم دروغ بشنود و هم راست، برداشتی که می کند این است که دروغ گویی هم مثل راست گویی لازمه گفتن است، پس او هم در گفتارش به دروغ گویی می پردازد.



قربانی

اگر یقه پیراهنمان را از پشت به درخت سکویا در برزیل آویزان کنند و با به تانک و کروزمان بینند.

اگر به آخریقا رفته و پشم شترهای آنجا را ببریم، در نهایت اگر سر به سر تن به کشتن دهیم محال است که یک خط کتاب بخوانیم.

حکایت ما و کتاب، حکایتی است پر سابقه؛ حکایت جن و بسم الله که طبق قضایای مدلی و منطقی «اجتماع تقیضین محال است».

آن چنان در برابر کتاب خواندن نفوذناپذیریم که اگر این روزها در لایه های ساختمان ایستاده بود، میتوانستیم همچون شرکت های وینتون، اپل و یا حتی مایکروسافت حرفی برای گفتن داشته باشیم.

خوشبختانه تنها استراتژی مشترک که میان تمامی صنوف در این مرز پر گهر از پزشکی و مهندسی گرفته تا نانو و راننده رایج است، همین میثاق ابدی کتاب خواندن است که همگی قم خورده ایم که کتاب، این حریف مظلوم اما چرخر بدیدن، را باراندا ز کرده و ضمن وارد نمودن ضربه فنی پیروز از عرصه ی این دوره از رقابت ها به بیرون آئیم.

به جای اینکه وقتمان را با کتاب خواندن حرام کنیم، ترجیح می دهیم به شمارش افراد شپش دار در آبیوی، تعداد گربه هایی که در خیابان های شانگهای در حال رفت و آمدند و حتی پسر فرشت هایی که روزگاری آنها را اعتباری بود و چرخ نامرد روزگار آنان را به کف انباری منتقل نموده، پیرداریم. و نکته ی جالب این که در نقل تمامی مجالس و محافل اعم از دوستانه و غیر دوستانه، گذشته از اظهار نظر درباره ی ابعاد جزئی «برجام» میتوان به سفره گزشتن افراد کتابخوان اشاره کرد که: این افراد موجب سوراخ شدن لایه ی اوزون می گردند. و یا حتی در انتقال سرطان موثرند که طبق وظیفه ی انانی بر ماست که از آنان میلیون مایل برائت جوئیم تا مباردا اشعه های وجود آنان گریبان ما و هموطنانمان را بگیرند.



ناگفته نماند اگر قرار است کتابی بخیریم، بیشتر سمت کتاب هایی می رویم که رنگ جلدشان با دکوراسیون پذیرایی مان به قول معروف «ست» باشد... اینجا ست که هر چه فکر می کنم کلمه مناسبتر از «قربانی» برای این موجود مظلوم نمی یابم...

زهره مراد بطلو - دانشجوی ادبیات فارسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْزَنْ

هَذَا بِالصَّبْرِ

كَيْفَ يَرَى نَسْرُ الْمُسْلِمِينَ
الَّذِينَ يَقُولُونَ لِمَنْ يَكْفُرُ
بِالْإِسْلَامِ

«فَقَدْ كَفَرَ بِشِرْكِهِ» ضَلَّ بِلَاغٍ وَشَيْخٌ هَمَّ أَنْ يَكْفُرَ

«خَطِيئَةٌ نَصِيرِي لَيْسَ بِرِشْتَةٍ عَوْدِي بَرِيءٌ»



گاهی به جای خواندن هزاران کتاب گوناگون و نقد و بررسی دیگران،
لحظه ای خود را بخوانیم و مرور کنیم.